

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جامعه‌شناسی (۱)

سال دوم آموزش متوسطه

رشته‌های ادبیات و علوم انسانی - علوم و معارف اسلامی

وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

برنامه‌ریزی محتوا و نظارت بر تألیف: دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی

نام کتاب: جامعه‌شناسی (۱) - ۲۴۳/۱

شورای برنامه‌ریزی: حمید پارسانیا، غلام‌رضا جمشیدیها، حسین کجویان، محمد ابراهیم فیاض، حسن ملکی، یارمحمدبای،

لطیف عیوضی، محمد شریف متولی، فریدون ملای بحری، محمد مهدی ناصری، زهرا اصغری،

آزیتا بیدقی، الدوز تبریزی و علی حسینی

مؤلفین: حمید پارسانیا، محمدحسین پوریانی، حسن خیری، سیدحسین شرف‌الدین، لطیف عیوضی، نعمت‌الله کرم‌اللهی،

ابراهیم فتحی، شمس‌الله مریجی و رقیه رودسرای

ویراستار: دکتر حسن ستایش

آماده‌سازی و نظارت بر چاپ و توزیع: اداره کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی

تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)

تلفن: ۹-۸۸۸۳۱۱۶۱، دورنگار: ۹۲۶۶-۸۸۳۰، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹

وبسایت: www.chap.sch.ir

مدیر هنری: مجید ذاکری یونسی

طراح گرافیک و صفحه‌آرا: مهدی نقوی

تصویرگر: محمد پیریایی، فرید ملایی

عکاس: محمود کریمی

ناشر: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران - تهران - کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش)

تلفن: ۵-۴۴۹۸۵۱۶۱، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۱۳۹-۳۷۵۱۵

چاپخانه: شرکت افست «سهامی عام» (WWW.Offset.ir)

سال انتشار و نوبت چاپ: ۱۳۹۱/ سوم

حق چاپ محفوظ است.



من به همه سفارش می‌کنم به هر شکل ممکن وسایل ارتقای اخلاقی و اعتقادی و علمی و هنری جوانان را فراهم سازید؛ و آنان را تا مرز رسیدن به بهترین ارزش‌ها و نوآوری‌ها همراهی کنید؛ و روح استقلال و خودکفایی را در آنان زنده نگه دارید. مبادا ... جوانان ما را، تحقیر و سرزنش نمایند و خدای ناکرده از پیشرفت و استعداد خارجی‌ها بت‌تراشند و روحیه پیروی و تقلید و گدا صفتی را در ضمیر جوانان تزریق نمایند. به جای اینکه گفته شود که دیگران کجا رفتند و ما کجا هستیم به هویت انسانی خود توجه کنند و روح توانایی و راه و رسم استقلال را زنده نگه دارند.

امام خمینی

فهرست

فصل اول

علوم اجتماعی

- ۲..... کنش انسانی
- ۸..... علوم انسانی
- ۱۲..... اهمیت علوم انسانی
- ۱۸..... کنش اجتماعی
- ۲۴..... علوم اجتماعی
- ۳۰..... تاریخچه جامعه‌شناسی
- ۳۶..... پیشینه علوم اجتماعی در یونان و جهان اسلام



فصل دوم

جهان اجتماعی

- ۴۴..... جهان اجتماعی و جهان طبیعی
- ۵۰..... اجزا و لایه‌های جهان اجتماعی
- ۵۶..... جهان‌های اجتماعی
- ۶۴..... پیامدهای جهان اجتماعی
- ۷۰..... انواع جهان اجتماعی



فصل سوم

شناخت اجتماعی

- ۷۸..... شناخت اجتماعی
- ۸۴..... انواع شناخت علمی
- ۹۰..... شناخت اجتماعی تجربی
- ۹۶..... شناخت اجتماعی عقلی
- ۱۰۰..... شناخت اجتماعی شهودی
- ۱۰۶..... شناخت اجتماعی در قرآن



دانش آموزان عزیز

سلام

از این که رشته علوم انسانی را انتخاب کرده‌اید خوشحالیم و به شما تبریک می‌گوییم؛ انتخابی زیباست که رسالتی سنگین به دنبال دارد. بدانید آینده فرهنگ و تمدن ایرانی-اسلامی، مرهون کاوش‌ها و تلاش‌های فعلی شما خواهد بود. در راستای تحقق این رسالت بزرگ، تلاش ما بر این بوده تا زمینه مواجهه فعال و پرشور شما با علوم انسانی و اجتماعی فراهم گردد.

سال گذشته در کتاب مطالعات اجتماعی با مطالب و مسایل علوم اجتماعی به طور کلی آشنا شدید. امسال و سال‌های آینده، آن مطالب را با تفصیل بیشتری خواهید خواند.

کتاب حاضر در ۳ فصل و ۱۸ درس تنظیم شده است:

فصل اول شما را با **علوم انسانی و علوم اجتماعی** آشنا می‌کند؛ تفاوت این علوم را با علوم دیگر از جمله علوم طبیعی (تجربی) ارائه می‌دهد و اهمیت این علوم، تاریخچه و پیشینه آنها را بازگو می‌کند.

در فصل دوم با موضوع علوم اجتماعی یعنی «**جهان اجتماعی**» آشنا می‌شوید. از یک سو، تشابه و تفاوت جهان اجتماعی را با جهان طبیعی در می‌یابید و از سوی دیگر، به شباهت‌ها و تفاوت‌هایی که جهان‌های اجتماعی مختلف با هم دارند پی می‌برید. همچنین با انواع جهان‌های اجتماعی که دارای فرهنگ‌ها و تمدن‌های متفاوت‌اند آشنا

می شوید.

فصل سوم انواع مختلف **شناخت اجتماعی** را بازگو می کند. تفاوت شناخت عمومی و شناخت علمی درباره جامعه را بیان می کند. به ما می آموزد، که شناخت علمی سطوح و مراتب مختلفی دارد و هرجهان اجتماعی سطح و نوعی از شناخت اجتماعی را می پذیرد. در پایان، برخی از ویژگی های شناخت اجتماعی متناسب با جهان اجتماعی اسلام، ارائه می شود.

استفاده مطلوب از کتاب حاضر، مستلزم حضور فعال و پرشور شما در کلاس درس و بهره بردن از دانسته ها و تجربه های ارزشمند دبیران می باشد. تلاش کنید، با همدلی و همراهی با دوستان و دبیران خود، در مباحث کلاس شرکت کنید. سعی کنید خوب بشنوید، خوب پرسید، خوب بگویید و خوب بنویسید. این مهارت ها در یادگیری و یاددهی در همه حوزه ها به ویژه علوم انسانی بسیار حیاتی و تأثیر گذارند. بنابراین، در کسب این مهارت ها بسیار بکوشید.

در این راستا، فعالیت های زیر در کتاب برای شما تعیین شده است:

- هر درس به سه بخش تقسیم شده است. در ابتدای هر بخش با خط درشت، پرسشی طرح شده که هدف آن برانگیختن کنجکاوی شما است. با دقت، این پرسش را بخوانید. پیش از ورود به مطلب و مطالعه آن، با استفاده از دانسته ها و تجربه های خود، برای این پرسش پاسخی فراهم کنید. پس از مطالعه متن، پاسخ خود را با پاسخ کتاب مقایسه کنید.

- ضمن هر درس، فعالیت هایی با عناوین مختلف مانند؛ «گفت و گو کنید»، «نمونه بیاورید»، «دلیل بیاورید» و... گنجانده شده است. این فعالیت ها را با نظارت و هدایت دبیران خود، در جریان گفت و گوهای کلاسی انجام دهید.

- صفحه پایانی هر درس، دارای سه بخش «**مفاهیم کلیدی**»، «**خلاصه کنید**» و «**آنچه از این درس آموختیم**» می باشد:

۱. مفاهیم کلیدی: هر درس درباره یک مفهوم کلیدی و چند مفهوم فرعی تألیف شده است. تلاش کنید، مجموعه مفاهیم اصلی و فرعی را بیابید.

۲. خلاصه کنید: تلاش کنید، ابتدا پرسش های مهمی را که این درس، در پی پاسخ دادن به آنهاست، پیدا کنید تا بتوانید مطالب مهم تر را از مطالب کم اهمیت تر تشخیص دهید. برای راهنمایی بیشتر، می توان گفت شما در این بخش یا مفاهیم کلیدی را تعریف می کنید یا رابطه آنها را در قالب یک گزاره یا یک جمله نشان می دهید.

۳. آنچه از این درس آموختیم: در این بخش، خود را در جایگاه معلمان و مؤلفان قرار دهید تا بگویید و بنویسید. وقتی با قصد آموزش به دیگران، درس را بخوانید آن را بهتر و عمیق تر می فهمید و وقتی بنویسید، بهتر فکر می کنید؛ چراکه به تعبیری، تا دست به نوشتن نگیرد، مغز به اندیشیدن نیاغزد!

نوشتن ز گفتن مهمتر شناس به گاه نوشتن به جا آر هوش

نوشته های خود را بخوانید و نوشته های دیگران را هم خوب گوش کنید، آنها را با یکدیگر مقایسه کنید و با هدایت دبیر خود، بهترین آنها را انتخاب کنید و به نام نویسنده آن در این قسمت بنویسید.

* تصویرها، جدول ها و نمودارها در انتقال محتوای درس ها به شما کمک می کنند. به آنها توجه کنید و اگر علاقه مند بودید، تصویرهای مناسبی که مطلوب می دانید به ما پیشنهاد کنید.

* ارزشیابی این درس، به دو شکل زیر انجام می شود:

۱. ارزشیابی مستمر که شامل موارد زیر است:

- حضور فعال و پرشور در کلاس و شرکت در بحث و گفت و گوهای گروهی

- انجام فعالیت‌های کلاسی
 - همکاری در کارهای گروهی
 - پرسش‌های کلاسی به صورت کتبی و شفاهی
 - انجام دادن کارهای اختیاری مانند: فعالیت‌های پژوهشی، نوآوری‌ها و خلاقیت‌های علمی، ادبی و هنری
۲. ارزشیابی پایان هر نیم‌سال که به صورت کتبی و براساس بارم‌بندی مشخص انجام می‌شود.

با آرزوی بهروزی و سلامتی شما
«گروه علوم اجتماعی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف»

همکاران عزیز

با سلام و احترام

علوم انسانی و اجتماعی دانش‌هایی تمدنی و فرهنگی‌اند. نظریه‌های علوم اجتماعی با حوزه فرهنگ و هویت، ارتباط متقابل و تأثیر دوسویه دارند. این تأثیر و تأثر ضرورت تولید و توزیع نظریه‌های بومی و برآمده از فرهنگ جامعه را ایجاد می‌کند. تحقق این امر، مستلزم برخورد فعال اندیشمندان جامعه برای تولید دانش و توزیع آن در سطوح مختلف آموزشی و البته منوط به دانستن، خواستن و توانستن نوجوانان و جوانان امروز و فرداست.

تأثیر دوسویه فرهنگ و نظریه‌های علوم اجتماعی، به این دانش‌ها، پویایی و حیات خاصی می‌بخشد. اما ممکن است در فرایند انتقال و آموزش، نظریه‌ها و فراورده‌های دوره خاصی در ذهن مخاطبان رسوخ کند و پویایی علوم اجتماعی و امکان مواجهه فعال دانش‌آموزان با این علوم را سلب نماید.

دانش‌آموزان، نخستین مواجهه خود با دانش‌های جدید را در گذار از فرهنگ عمومی به فرهنگ علمی در درس‌های دوره متوسطه تجربه می‌کنند. ماهیت این درس‌ها، باید به گونه‌ای باشد که خلاقیت ذهنی دانش‌آموزان را از بین نبرد و از متصلب و مطلق‌شدن دانش جدید جلوگیری کند. در غیر این صورت، ظرفیت‌های ذهنی آنان برای برخورد فعال با این علوم در مقاطع بالاتر زایل می‌گردد.

آموزش علوم اجتماعی باید با ایجاد علقه و علاقه، فرصت مواجهه فعال و خلاق دانش‌آموزان را با این علوم فراهم کند و برای نوآوری علمی، ترغیب‌کننده و تشجیع‌کننده باشد. بر ماست زمینه این برخورد فعال و شورانگیز را فراهم آوریم. مؤلفان کتاب تلاش کرده‌اند در این راستا گام بردارند که البته بدون خلاقیت و نوآوری‌های شما این تلاش به سرانجام نمی‌رسد.

استفاده مطلوب از کتاب، مستلزم حضور فعال دانش‌آموزان در کلاس درس و استفاده از دانسته‌ها و تجربه‌های ارزشمند شماست. امید است با روش‌های فعال یاددهی - یادگیری و ارزش‌یابی‌های هدفمند، این فرصت را غنیمت شمارید.

یادآوری این نکته ضروری است که در مواردی برای تصریح مطلب، محتوای کتاب برجسته، شماره‌گذاری و خلاصه شده است. انتظار می‌رود این گونه مطالب بستر و بهانه آزمون‌های حافظه‌مدار قرار نگیرند. بلکه تلاش همه ما بر این باشد که دانش‌آموزان در مسائل و موضوعات مطرح شده شریک و سهیم شوند و متناسب با توان و قابلیت‌های خود در آن‌ها تأمل نمایند.

با همکاری جمعی از همکاران شما، راهنمای معلمی برای این کتاب تدوین شده، که می‌تواند در فرایند تعلیم و تربیت به کار آید.

با آرزوی توفیق و بهروزی شما

«دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی»

فصل اول

علوم اجتماعی

- ۱- کنش انسانی
- ۲- علوم انسانی
- ۳- اهمیت علوم انسانی
- ۴- کنش اجتماعی
- ۵- علوم اجتماعی
- ۶- تاریخچه جامعه‌شناسی
- ۷- پیشینه علوم اجتماعی
در یونان و جهان اسلام

انتظار می‌رود در پایان این فصل دانش آموز:

- کنش انسانی، ویژگی‌ها و پیامدهای آن را تحلیل کند؛
- تفاوت علوم انسانی و علوم طبیعی را تشخیص دهد؛
- اهمیت و فایده علوم انسانی را تحلیل کند؛
- کنش اجتماعی و پیامدهای آن را بشناسد؛
- نسبت علوم انسانی و علوم اجتماعی را تفسیر کند؛
- به علوم انسانی و علوم اجتماعی علاقه‌مند باشد؛
- تاریخچه اجمالی جامعه‌شناسی و گونه‌های مختلف آن را تشریح کند؛
- پیشینه علوم اجتماعی در جهان اسلام را توضیح دهد.



کنش انسانی



تعریف کنش انسانی

اگر به اطراف خود بنگریم، متوجه می‌شویم که هر کس و هر چیز در حال انجام کاری است. خود ما نیز در همه حال به فعالیتی مشغولیم؛ حتی در خلوت دربارهٔ امور مختلف فکر می‌کنیم. به نظر شما، فعالیت‌های انسانی چه تفاوت‌هایی با فعالیت‌های موجودات دیگر دارد؟

در جهان، تمامی موجودات کاری انجام می‌دهند؛ ابر در آسمان حرکت می‌کند، آب در جویبار روان است، درخت برگ و بار می‌دهد، خون در رگ‌های آدمی می‌چرخد، کشاورز به

کنشت و زرع می‌پردازد و ما نیز به کار و کوشش و فعالیت‌های روزانه خود می‌پردازیم... اما فعالیت انسان‌ها با فعالیت موجودات دیگر تفاوت دارد. به فعالیتی که انسان انجام می‌دهد «کنش انسانی» می‌گویند. کنش انسانی با اراده و آگاهی انسان انجام می‌شود. یک نویسنده یا هنرمند با آگاهی و اراده می‌نویسد یا اثر هنری خلق می‌کند.

از این تعریف مشخص می‌شود، بسیاری از فعالیت‌هایی که در بدن انسان نیز انجام می‌گیرد، کنش انسانی نیستند؛ مانند: ضربان قلب آدمی یا رشد سلول‌های بدن؛ زیرا این‌گونه فعالیت‌ها با اراده و آگاهی انسان انجام نمی‌شوند.

از انواع کنش انسانی می‌توان به کنش درونی مانند ادراک و تفکر و کنش بیرونی مانند راه رفتن و نشستن اشاره کرد.

نمونه بیاورید

- سه کنش انسانی که در کلاس انجام داده‌اید بیان کنید.
- برای هر یک از انواع کنش‌های درونی و بیرونی، مثال بیاورید.

ویژگی‌های کنش انسانی

کنش انسانی با فعالیت‌های طبیعی تفاوت‌هایی دارد. از این تفاوت‌ها می‌توان به عنوان ویژگی‌های کنش انسانی یاد کرد. آیا می‌توانید چند ویژگی از کنش انسانی را بیان کنید؟

برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های کنش انسان عبارت‌اند از:

۱- **آگاهانه بودن:** آگاهانه بودن کنش انسان به این معناست که فعالیت به آگاهی آدمی وابسته است؛ به گونه‌ای که هرگاه آن آگاهی از بین برود، کنش نیز



ادامه نخواهد یافت؛ مانند سخن گفتن که یکی از کنش‌های روزمرهٔ انسان‌هاست. اگر ما آگاهی خود را نسبت به کلمات و معانی آن‌ها از دست بدهیم، از گفتار باز می‌مانیم. از این رو بچه‌ها به علت عدم آگاهی از کلمات، نمی‌توانند حرف بزنند.

۲- **ارادی بودن**: کنش انسانی تنها با آگاهی انسان پدید نمی‌آید، انسان علاوه بر آگاهی، باید انجام فعلیتی را اراده و انتخاب کند. کارهایی که بدون اراده از انسان سر می‌زند، کنش انسانی خوانده نمی‌شوند. ممکن است فردی به صحیح بودن کاری آگاه باشد ولی تصمیم به انجام آن نگیرد یا برعکس به غلط بودن کاری آگاه باشد ولی تصمیم بگیرد آن را انجام دهد.



کنش انسانی

۳- **هدف‌دار بودن**: هر فعالیت انسان با قصد و هدف خاصی انجام می‌شود؛ هرچند این فعالیت‌ها در برخی موارد به مقصود نمی‌رسد. فردی که به رودخانه‌ای قدم می‌گذارد قصد ماهی‌گیری دارد یا می‌خواهد سردی و گرمی آب را متوجه شود یا می‌خواهد از رودخانه عبور کند و...

۴- **معنادار بودن**: کنش انسانی با توجه به آگاهی‌ای که براساس آن شکل می‌گیرد و هدفی که دنبال می‌کند، دارای معنای خاصی است؛ به همین دلیل، کنش‌های انسانی را بدون توجه به معنای آن‌ها نمی‌توانیم بشناسیم؛ برای نمونه سخن گفتن فقط صداهایی نیست که با اراده و آگاهی از دهان خارج می‌شوند، بلکه مجموعه معنایی است که به وسیلهٔ صداها به دیگری منتقل می‌شود.

همچنین اگر یکی از دانش‌آموزان در کلاس درس، دست خود را بالا بیاورد به معنای اجازه خواستن از معلم است.

۵- **تناسب داشتن با موقعیت‌های زمانی، مکانی و اجتماعی:** کنش انسانی در موقعیت‌های مختلف تفاوت دارد. برای مثال، کنش یک فرد در دوران کودکی با کنش او در دوران بزرگسالی فرق دارد؛ یا چگونگی برخورد آدمی با آشنایان، با برخورد او با افراد ناآشنا تفاوت می‌کند.

تفسیر کنید

بوق زدن یک کنش انسانی است. آیا این کنش در همه موقعیت‌ها، معنایی یکسان دارد؟ سه معنا برای آن ذکر کنید.

پیامدهای کنش انسانی

انسان‌ها کنش خود را با آگاهی و اراده انجام می‌دهند. هر کنش آثار و پیامدهایی دارد. آیا پیامدهای کنش نیز وابسته به آگاهی و اراده انسان‌هاست؟

کنش انسانی دو نوع پیامد دارد:

اول: **پیامدهای ارادی؛** این نوع پیامدها به اراده افراد انسانی یعنی خود کنشگر یا افراد دیگر وابسته است.



دوم: پیامدهای طبیعی یا غیرارادی؛ این نوع پیامدها به اراده فرد انسانی وابستگی ندارد. دانش‌آموزی کتاب درسی خود را به درستی مطالعه می‌کند، اول این که مطالب درس را به خوبی یاد می‌گیرد؛ دوم به پرسش‌های آزمون پاسخ می‌دهد. معلم نیز متناسب با تلاش او نمره قبولی می‌دهد و او به کلاس بالاتر راه پیدا می‌کند.



۱

یادگرفتن درس‌ها، پیامد طبیعی و غیرارادی فعالیت اوست. اما پاسخ‌دادن به پرسش‌های امتحانی و دادن نمره خوب توسط معلم، پیامد ارادی کنش اوست که اولی به اراده خود او و دومی به اراده معلم وابسته است.



۲

پیامدهای طبیعی و غیرارادی کنش انسانی قطعی است؛ یعنی حتماً انجام می‌شود، ولی پیامدهایی که به اراده انسان‌ها وابسته است احتمالی است؛ یعنی ممکن است انجام بشود یا انجام نشود. در بسیاری از موارد، آدمیان کنش‌های خود را با توجه به پیامدهای ارادی و غیرارادی آن انجام می‌دهند.

تحلیل کنید

- آب این جوی به سرچشمه نمی‌گردد باز بهتر آن است که غفلت نکنیم از آغاز
- پیامدهای سحرخیزی یا ورزش صبحگاهی



۳

خلاصه کنید

خلاصه کنید: مطالب مهم درس را در قالب جمله یا گزاره بنویسید. در این قسمت مفاهیم کلیدی را تعریف می‌کنید یا ارتباط آن‌ها را دوباره نشان می‌دهید.

**فعالیتی که انسان با اراده و آگاهی انجام می‌دهد،
کنش انسانی است.**

.....

.....

.....

.....

.....

.....

مفاهیم کلیدی

اصطلاحات و مفاهیم اساسی درس را در این قسمت بنویسید:

کنش انسانی،

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

آنچه از این درس آموختیم

در این قسمت می‌توانید جمله‌ها و گزاره‌هایی را که در قسمت «خلاصه کنید» نوشته‌اید با هم ترکیب کنید و در قالب یک بند یا پاراگراف بنویسید.
فرض کنید می‌خواهید مطالبی را که در این درس یاد گرفته‌اید به زبان و قلم خودتان به دیگران آموزش دهید. در کلاس نوشته‌های خود را بخوانید و با راهنمایی دبیر خود، بهترین آن‌ها را انتخاب کنید و به نام نویسنده آن، در کتاب خود بنویسید.

.....

.....

.....

.....

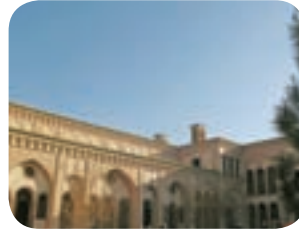
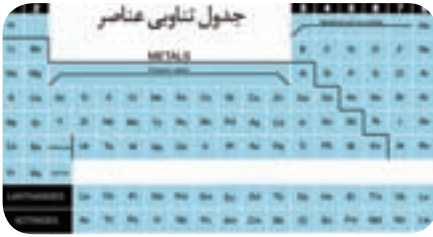
.....

.....

.....

۱- برای پیدا کردن مطالب مهم درس از خود بپرسید این درس به دنبال پاسخ به چه پرسش‌هایی است.

علوم انسانی



تعریف علوم انسانی

شما امسال رشتهٔ تحصیلی علوم انسانی را انتخاب کرده‌اید. آیا تاکنون دربارهٔ آن اندیشیده‌اید؟ شما چگونه علوم انسانی را تعریف می‌کنید؟

هر علمی دربارهٔ موضوع خاصی بحث می‌کند؛ و به همین دلیل، بسیاری از دانشمندان تفاوت علوم را به تفاوت موضوع آن‌ها دانسته‌اند و براین اساس، می‌توان گفت علوم انسانی به علمی گفته می‌شود که موضوع آن‌ها، کنش انسانی است؛ یعنی، دربارهٔ کنش‌های انسان‌ها و آثار و پیامدهای آن‌ها بحث می‌کند.



علوم انسانی از فعالیت‌های غیرارادی انسان‌ها بحث نمی‌کند؛ زیرا فعالیت‌های غیرارادی، کنش انسانی نیستند. علمی که به این پدیده‌ها می‌پردازد، با آن که دربارهٔ انسان بحث می‌کند، جزء علوم انسانی نیستند؛ مانند علم پزشکی که به بدن انسان و سلامتی و بیماری آن می‌پردازد.

پاسخ دهید

- دو مورد از دانش‌هایی را که جزء علوم انسانی هستند، نام ببرید و دلیل انتخاب خود را بیان کنید.

تفاوت علوم انسانی و علوم طبیعی

بسیاری از دوستان شما، رشته علوم طبیعی (تجربی) را انتخاب کرده‌اند. به نظر شما چه تفاوتی بین علوم انسانی و علوم طبیعی وجود دارد؟ در درس گذشته به تعریف کنش انسانی پی بردیم، این تعریف، شما را در پاسخ به این پرسش کمک می‌کند.

علوم انسانی و علوم طبیعی موضوعات متفاوتی دارند. موضوعات علوم انسانی همان‌گونه که پیش از این دانستید کنش‌های انسانی است و حال آن که موضوعات علوم طبیعی، پدیده‌های جهان طبیعی است.

کنش انسانی چون با اراده و آگاهی انسان انجام می‌شود دارای هدف و معنایی خاص است و به همین دلیل شناخت آن بدون فهم هدف و معنای آن ممکن نیست. اما پدیده‌های طبیعی مستقل از معانی و اهدافی هستند که انسان‌ها در نظر می‌گیرند؛ یعنی به تصمیم و اقدام انسان‌ها وابسته نیستند. بنابراین شناخت آن‌ها نیز مستقل از اهداف و اغراض انسان‌هاست. تفاوت علوم انسانی و علوم طبیعی را از تفاوت نگاه‌های زبان‌شناس و فیزیکی‌دان به صدای یک انسان می‌توان دریافت.

تفسیر کنید

- به نظر شما تفاوت نگاه یک فیزیکی‌دان و یک زبان‌شناس به صدای یک انسان چیست؟

تفاوت علوم انسانی و متافیزیک

همه با نام فلسفه یا متافیزیک آشنا هستیم به نظر شما آیا فلسفه جزء یکی از دو دسته علوم طبیعی یا علوم انسانی است یا آن که علمی مستقل است؟

موضوع علوم طبیعی و فلسفه با هم تفاوت دارد. موضوع علوم طبیعی موجودات طبیعی است. علوم طبیعی، قوانین طبیعت و موجودات طبیعی را شناسایی می‌کنند. مثلاً زیست‌شناسی درباره موجودات زنده بحث می‌کند و موجود زنده را دارای ویژگی‌هایی مانند حرکت، تغذیه و رشد می‌داند.



موضوع علوم انسانی و فلسفه نیز با هم تفاوت دارد. موضوع علوم انسانی، کنش انسانی و پیامدهای آن می‌باشد. علوم انسانی قوانین مربوط به کنش‌های انسانی را مورد مطالعه قرار می‌دهد. مثلاً اقتصاد به کنش‌های اقتصادی همچون تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات می‌پردازد؛ در حالی که موضوع فلسفه، اصل وجود است؛ یعنی به موجودی خاص مانند موجودی طبیعی و انسانی نمی‌پردازد بلکه قوانین کلی موجودات را شناسایی می‌کند. این قوانین شامل همه موجودات می‌شود و مخصوص

موجودات طبیعی یا انسانی نیست؛ مانند: قانون علیّت. قانون علیّت به این معنا است که خود به خود اتفاقی در عالم رخ نمی‌دهد و هر پدیده‌ای که واقع می‌شود، دارای علت است. بنابراین فلسفه نه جزء علوم طبیعی است و نه جزء علوم انسانی؛ بلکه خود دانشی مستقل است.

پاسخ دهید

- با تکمیل جدول زیر تمایز میان علوم را توضیح دهید.

انواع علوم	علوم طبیعی	علوم انسانی	فلسفه
موضوع			

- آیا قوانین فلسفی همان‌گونه که بر موجودات طبیعی جریان دارد بر کنش‌های انسانی نیز جاری است؟

خلاصه کنید

- علوم انسانی دربارهٔ کنش‌های انسانی و آثار و پیامدهای آن‌ها بحث می‌کند.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

مفاهیم کلیدی

علوم انسانی،

.....

.....

.....

.....

.....

.....

آنچه از این درس آموختیم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

اهمیت علوم انسانی



آینده شغلی

انتخاب رشته تحصیلی یکی از تصمیم‌های مهم زندگی ماست. هنگام انتخاب رشته، دانش‌آموزان رشته‌های مختلف را با یکدیگر مقایسه می‌کنند و با توجه به عوامل مختلفی چون علاقه خود و نیازهای جامعه می‌کوشند تا رشته‌ای را که اهمیت بیشتری دارد، انتخاب کنند. به نظر شما، علوم انسانی از اهمیت بیشتری برخوردارند یا علوم طبیعی؟



وقتی یک رشته علمی را با رشته‌ای دیگر مقایسه می‌کنیم، برای تشخیص اهمیت و برتری یکی از آن دو، نیازمند معیار و ملاکی هستیم تا آن دو رشته را ارزیابی کنیم. برای مقایسه علوم انسانی و علوم طبیعی، معیارهای مختلفی وجود دارد. براساس برخی از معیارها علوم طبیعی و براساس معیارهای دیگر علوم انسانی از اهمیت بیشتری برخوردارند.



بسیاری از خانواده‌ها، وقتی می‌خواهند رشته‌های علمی را با یکدیگر مقایسه کنند بیشتر با ملاک آینده شغلی، به داوری می‌پردازند و هر رشته‌ای را که از نظر اجتماعی و اقتصادی و فرصت‌های شغلی آینده بهتری داشته باشد ترجیح می‌دهند.

معیار و ملاک آینده شغلی را محیط اجتماعی تعیین می‌کند و با تغییر شرایط محیطی تغییر پیدا می‌کند.

بعضی از رشته‌ها در برخی جوامع از فرصت شغلی و شأن اجتماعی مناسبی برخوردارند، درحالی که همان رشته‌ها در جوامعی دیگر، آینده شغلی خوبی ندارند و زمینه اجتماعی مناسبی برایشان فراهم نیست.

تحلیل کنید

- رشته‌هایی را نشان دهید که طی سالیان مختلف، فرصت‌های شغلی آن‌ها تفاوت کرده باشد. دلیل آن را بیان کنید.
- به نظر شما، در بین رشته‌های علوم انسانی، کدام رشته از آینده شغلی بهتری برخوردار است؟
- آیا ملاک دیگری غیر از فرصت و آینده شغلی برای مقایسه علوم طبیعی و علوم انسانی می‌توانید بیان کنید.

فواید علوم طبیعی

رشته‌های علمی را براساس فایده‌ای که برای انسان دارند می‌توان رتبه‌بندی کرد. به نظر می‌رسد شما با فایده‌های علوم طبیعی آشنا هستید. آیا می‌توانید چند فایده علوم طبیعی را نام ببرید؟

می‌دانیم که موضوع علوم طبیعی عالم طبیعت است. این دسته از علوم با شناخت طبیعت، قدرت پیش‌بینی و پیشگیری از حوادث طبیعی را برای انسان فراهم می‌آورند و او را بر عالم طبیعت مسلط می‌گردانند.

بنابراین می‌توان گفت فایده‌های علوم طبیعی عبارت‌اند از:

- ۱- شناخت طبیعت
- ۲- پیش‌بینی حوادث طبیعی برای پیش‌گیری و تسلط بر طبیعت
- ۳- رهاسازی انسان از محدودیت‌های طبیعت.

به علوم طبیعی، به دلیل اینکه ابزار تسلط انسان بر طبیعت و وسیله رهاسازی انسان از محدودیت‌های طبیعی‌اند، «علوم ابزاری» می‌گویند.

تحقیق کنید

- چگونه انتشار و پیامدهای یک بیماری همه‌گیر را در گذشته مطالعه کنید و نشان دهید انسان‌ها چگونه توانستند این نوع بیماری‌ها را مهار کنند.
- به نظر شما رابطه مطلوب انسان و طبیعت چگونه رابطه‌ای است؟

فواید علوم انسانی

با فواید علوم طبیعی آشنا شدید. شما دانش‌آموزان رشته علوم انسانی چه شناختی از فواید علوم انسانی دارید؟

می‌توان گفت فایده‌های علوم انسانی عبارت‌اند از:

- ۱- شناخت و فهم معانی کنش‌های آدمیان
- ۲- شناسایی عواملی که بر زندگی انسان و کنش‌های او تأثیر دارند یا پیش‌بینی کنش‌ها و پیامدهای آن‌ها برای پیش‌گیری.



● خانه عامری‌ها، کاشان
پله‌های سنگی مسیر را نشان می‌دهند و پله‌های چوبی ابزاری هستند
برای آسان‌تر پیمودن این مسیر.

- ۳- شناخت فضیلت، عدالت، سعادت و راه صحیح زندگی و داوری درباره کنش‌های خوب و بد انسان‌ها.
- ۴- انتقاد از کنش‌های ناپسند و ظالمانه انسان‌ها.
- ۵- رهاکردن و آزادسازی انسان‌ها از ظلم‌ها و اسارت‌هایی که در اثر کنش‌های انسان‌ها پدید می‌آید.
- ۶- نشان دادن شیوه صحیح استفاده از علوم طبیعی و دانش‌های ابزاری.

علوم انسانی به دلیل اینکه به فهم معانی کنش‌های انسانی می‌پردازند، «علوم تفهیمی» نامیده می‌شوند. و از این نظر که به انتقاد از کنش‌های ناپسند آدمیان می‌پردازند، «علوم انتقادی» نیز می‌گویند.

با توجه به فواید متفاوتی که علوم طبیعی و انسانی دارند، به نظر شما اهمیت کدام دسته از علوم بیشتر است.

علوم طبیعی همچون ابزاری هستند که در دست انسان قرار دارند. انسان با این ابزار بر

عالم طبیعت مسلط می‌شود. علوم انسانی همانند چراغی هستند که راه صحیح استفاده از این ابزار را به انسان نشان می‌دهند. اگر علوم طبیعی در مسیر ارزش‌ها و فضیلت‌هایی قرار گیرند که توسط علوم انسانی شناخته می‌شوند وسیلهٔ رسیدن انسان به عدالت و سعادت می‌گردند. علوم طبیعی بدون استفاده از علوم انسانی ممکن است وسیلهٔ فساد و تباهی انسان و جهان شوند.



علوم طبیعی اگر دچار مشکل شوند قدرت تصرف انسان در طبیعت محدود می‌شود. اما اگر علوم انسانی گرفتار مشکل شوند انسان از تدبیر زندگی خود و از شناخت ارزش‌ها و آرمان‌هایی که باید دنبال نماید باز می‌ماند.

هنگامی که خود انسان به بحران گمراهی گرفتار شود، علوم ابزاری او نه تنها مشکلی را حل نمی‌کنند بلکه بر مشکلات او می‌افزایند. علوم انسانی به سبب این که راه استفاده از طبیعت و علوم طبیعی را نشان می‌دهند نسبت به علوم طبیعی از اهمیت بیشتری برخوردارند.

داوری کنید

- برخی از مفاسد و خطرهایی را که در اثر توسعهٔ یک‌جانبه‌ی علوم طبیعی پیش آمده است، فهرست کنید.
- شما برای مقایسهٔ علوم طبیعی و علوم انسانی کدام معیار را بهتر می‌دانید؟
الف) فرصت و آیندهٔ شغلی
ب) فواید علوم

خلاصه کنید

–مقایسه علوم انسانی و علوم طبیعی براساس ملاک‌های متفاوتی صورت می‌گیرد.

مفاهیم کلیدی

علوم ابزاری، علوم انتقادی،

آنچه از این درس آموختیم

کنش اجتماعی



تعریف کنش اجتماعی

در سال گذشته یاد گرفتیم که انسان موجودی اجتماعی است. در درس‌های گذشته نیز با معنای کنش انسانی آشنا شدیم. به نظر شما این دانسته‌های قبلی شما چه ارتباطی با «کنش اجتماعی» دارند؟

ما به دوست خود سلام می‌کنیم؛ یا پاسخ سلام او را می‌دهیم. با ورود معلم به کلاس از

جا برمی خیزیم. هنگام ورود به کلاس یا سوار شدن اتوبوس حق تقدم را رعایت می کنیم و به هم تعارف می کنیم. کنش هایی که با توجه به دیگران انجام می دهیم، «کنش اجتماعی» خوانده می شود. کنش اجتماعی نوعی از کنش انسانی است. پیش از این گفتیم کنش انسانی آگاهانه و ارادی است. اجتماعی بودن کنش به این است که آگاهی و اراده آدمی ناظر به دیگران و ویژگی ها و اعمال آن هاست.

لباس پوشیدن شما در منزل با بیرون از منزل متفاوت است؛ زیرا شما در پوشیدن لباس، به نظر دیگران درباره خودتان اهمیت می دهید. آدمی برای آواز خواندن خیابان را انتخاب نمی کند؛ چرا

که احتمال می دهد دیگران به او اعتراض کنند یا حداقل با نگاه های معنی دار به او بفهمانند که خیابان جای آواز خواندن نیست. از این رو، شاید در جایی آواز بخواند که کسی نباشد؛ یا موقعیت مناسبی برای آواز خواندن باشد. این ها مواردی از کنش های اجتماعی هستند. همچنین بالا رفتن فردی از دیوار خانه دیگران، حتی اگر کسی در خیابان نباشد و او را نبیند یک کنش اجتماعی است.



نمونه بیاورید

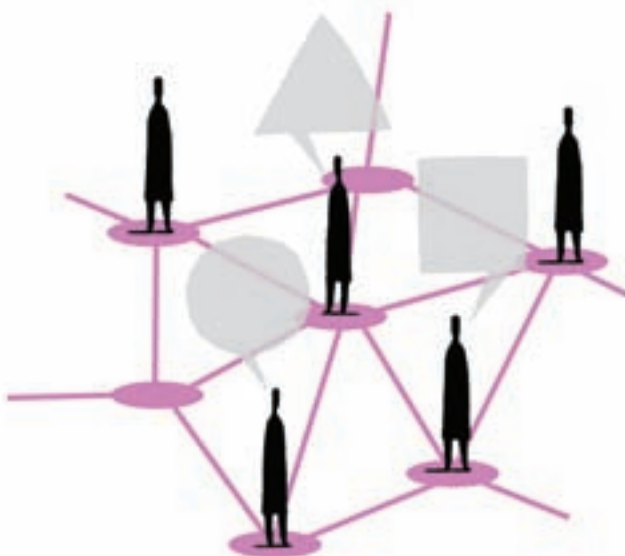
- دو مورد از کنش های اجتماعی را که امروز انجام داده اید، نام ببرید.
- این دو کنش با توجه به چه کسی و براساس چه شناخت و برداشتی از او انجام شده است؟
- نیت و هدف شما از این دو کنش چه بوده است؟

پدیده های اجتماعی

شما با پدیده های اجتماعی بسیاری سروکار دارید. آیا می توانید به بعضی از آنها اشاره کنید؟ پدیده های اجتماعی چگونه تعریف می شود؟ کنش های اجتماعی و پیامدهایی که به دنبال دارند همان پدیده های اجتماعی اند.

هنجارها و ارزش‌های اجتماعی، جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی، نقش، خرده نظام و نظام اجتماعی از جمله پدیده‌های اجتماعی‌اند که در کتاب «مطالعات اجتماعی» با مفاهیم آنها آشنا شدیم. کنش اجتماعی نخستین پدیده اجتماعی است. پدیده‌های اجتماعی دیگر، آثار و پیامدهای کنش اجتماعی انسان‌اند؛ مثلاً:

هنجار اجتماعی، شیوه کنش اجتماعی است که مورد قبول افراد جامعه قرار گرفته است. ارزش‌های اجتماعی، آن دسته از ارزش‌هایی هستند که مورد توجه و پذیرش همگان بوده



و افراد یک جامعه نسبت به آنها گرایش و تمایل دارند.

اگر کنش اجتماعی نباشد، هیچ هنجاری شکل نمی‌گیرد و هیچ یک از ارزش‌ها و آرمان‌های اجتماعی مانند حقیقت، عدالت، امنیت، آزادی و سعادت محقق نمی‌شوند.

فردی که به تنهایی در اتاقی سیگار می‌کشد در حال انجام یک کنش انسانی است. حال اگر فرد دیگری وارد اتاق شود سیگار کشیدن او یک کنش اجتماعی می‌شود و پای هنجارها و ارزش‌ها را به میان می‌آورد. او می‌تواند برای رعایت حقوق دیگری (تحقق یک ارزش) سیگار خود را خاموش کند (پیدایش یک هنجار).

هنجارها و ارزش‌ها بعد از آنکه از طریق کنش‌های اجتماعی انسان‌ها تحقق پیدا کنند، از سویی، با تعلیم و تربیت، تشویق و تنبیه، پدیده‌های جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی را ایجاد می‌کنند. برای مثال آشنا کردن افراد جامعه با آسیب‌های سیگار کشیدن مصداق جامعه‌پذیری و

ممنوعیت این کنش در مکانهای عمومی، نمونه کنترل اجتماعی است. هنجارها و ارزش‌ها از سوی دیگر با تعیین انتظارات و توقعات زمینه لازم را برای نقش‌های اجتماعی به وجود می‌آورند و نظام اجتماعی خرد و کلان نیز به وسیله کنش‌های اجتماعی متقابل شکل می‌گیرد.

تمرین کنید

- پدیده‌های اجتماعی نامبرده در درس را با استفاده از کتاب «مطالعات اجتماعی» تعریف کنید
- خردترین و کلان‌ترین پدیده اجتماعی کدامند؟

نظام اجتماعی

پدیده‌های اجتماعی مستقل از یکدیگر تحقق پیدا نمی‌کنند. هریک از آن‌ها در بعضی از دیگر پدیده‌ها تأثیر می‌گذارند و از بعضی تأثیر می‌پذیرد. آیا می‌توانید برخی از مناسبات پدیده‌های اجتماعی را ذکر کنید؟

هریک از پدیده‌های اجتماعی در تناسب با دیگر پدیده‌های اجتماعی شکل می‌گیرد. مثلاً، هرکنش با هنجارهای خاصی سازگار است. در جامعه‌ای که نوعی از هنجارهای اجتماعی استقرار یافته است کنش‌هایی که ناسازگار با آن هنجارها باشند، نابهنجار شمرده می‌شوند.



هر کنش براساس نیت، هدف و معنای خاصی شکل می‌گیرد. نیت و هدف کنشگر با ارزش‌های موردنظر او متناسب دارد. ارزش‌های اجتماعی – که همان ارزش‌های مورد قبول جامعه است – نیز کنش‌های متناسب با خود را می‌طلبند.



ارزش‌های اجتماعی از کنش‌هایی حمایت می‌کنند که متناسب با آن‌ها باشند و کنش‌هایی را که متناسب با ارزش‌های ناشناخته و مغایر باشند، کنترل می‌کنند؛ یعنی، کنترل اجتماعی و جامعه‌پذیری نیز، متناسب با باورها، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی است. نظام اجتماعی برآیند سایر پدیده‌های اجتماعی است. در این نظام، پدیده‌های مختلف اجتماعی دارای تأثیر و تأثر متقابل هستند.

اگر پدیده‌های خرد اجتماعی از نسبتی هماهنگ برخوردار باشند، نظام اجتماعی کلان از انسجام برخوردار است و اگر پدیده‌های خرد، از جمله خرده نظام‌ها، مثل نظام تعلیم و تربیت و نظام اقتصادی و سیاسی، ناسازگار عمل کنند، نظام اجتماعی کلان، متناسب با آن ناسازگاری‌ها دستخوش تغییراتی خواهد شد.

تحقیق کنید

- نظام قومی و قبیله‌ای با چه نوع ارزش‌هایی سازگار است؟ برخی از آن ارزش‌ها را نام ببرید.
- دو هنجار و کنش اجتماعی متناسب با این نظام را بیان کنید.
- ارزش عدالت، با چه هنجارهایی در زمینه آموزشی سازگار است؟

خلاصه کنید

– کنش اجتماعی، نوعی کنش انسانی است که با توجه به دیگران انجام می‌شود.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

مفاهیم کلیدی

پدیده اجتماعی؛

کنش اجتماعی؛

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

آنچه از این درس آموختیم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

علوم اجتماعی

تعریف علوم اجتماعی

هر علمی، از جهات مختلف، با علوم دیگر تمایز دارد؛ مانند موضوع، هدف و روش. علوم اجتماعی را نیز با همین معیارها از دانش‌ها و علوم دیگر می‌توان بازشناخت. به نظر شما، تعریف علوم اجتماعی چیست؟

بسیاری از دانشمندان، علوم اجتماعی را براساس موضوع آن تعریف کرده‌اند. در درس قبل با کنش اجتماعی آشنا شدیم و دانستیم سایر پدیده‌های اجتماعی، نتیجه و پیامد کنش‌های



اجتماعی هستند. می‌توان علوم اجتماعی را شناخت کنش اجتماعی انسان و پیامدهای آن تعریف کرد. این تعریف علاوه بر آن که کنش اجتماعی انسان را در برمی‌گیرد، پدیده‌های اجتماعی دیگر از جمله نظام‌های خرد و کلان اجتماعی را نیز شامل می‌شود. علوم اجتماعی را می‌توان علم به پدیده‌ها و واقعیت‌های اجتماعی نیز تعریف کرد.

تفسیر کنید

گفتیم کنش انسانی و پیامدهای آن موضوع علوم انسانی و کنش اجتماعی و پیامدهای آن موضوع علوم اجتماعی هستند. با مقایسه دو شکل زیر نسبت علوم انسانی و علوم اجتماعی را پیدا کنید.



اهمیت علوم اجتماعی

با توجه به آنچه در درس سوم درباره اهمیت علوم انسانی بیان شد اهمیت علوم اجتماعی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

موضوع علوم انسانی کنش‌های انسانی، و موضوع علوم اجتماعی کنش‌های اجتماعی انسان است؛ بنابراین موضوع علوم انسانی عام‌تر از موضوع علوم اجتماعی است. در نتیجه علوم اجتماعی بخشی از علوم انسانی محسوب می‌شود و همه فواید علوم انسانی را داراست. فایده‌های علوم اجتماعی:

اول: شناسایی کنش‌های اجتماعی انسان‌ها، قدرت پیش‌بینی نسبت به آثار و پیامدهای فعالیت‌های اجتماعی را پدید می‌آورد و از این جهت، نقش علوم ابزاری را ایفا می‌کند. البته قدرت پیش‌بینی علوم اجتماعی به دلیل آگاهانه و ارادی بودن کنش‌های انسانی و تنوع آنها از پیچیدگی بیشتری نسبت به علوم طبیعی برخوردار است.



دوم: علوم اجتماعی با فهم معانی کنش‌های دیگران، امکان همدلی و همراهی با آنان را پدید می‌آورد.

سوم: در علوم اجتماعی ظرفیت داوری دربارهٔ هنجارها و ارزش‌های رفتاری خود و دیگران و به دنبال آن امکان انتقاد نسبت به خطاهای رفتاری و اجتماعی وجود دارد. علوم اجتماعی با داوری و انتقاد دربارهٔ کنش‌های اجتماعی، فرصت واکنش و موضع‌گیری اجتماعی مناسب و صحیح را برای دانشمند فراهم می‌آورد.

تحلیل کنید

فرض کنید شما شاهد نزاع و درگیری میان دو کشور، دو قبیله در منطقه‌ای یا دو فرد در خیابانی هستید. چگونه می‌توانید فواید علوم اجتماعی را در بررسی، ارزیابی و حل یکی از این درگیری‌ها نشان دهید؟

شاخه‌های علوم اجتماعی

موضوعاتی که دارای اجزاء و ابعاد مختلف‌اند، با توجه به ابعاد یا اجزای خود، دانش‌های مختلفی را پیرامون خود به وجود می‌آورند؛ مانند بدن انسان که تخصص‌های گوناگونی دربارهٔ اعضای آن پدید می‌آید. کنش اجتماعی انسان نیز به لحاظ پیامدهای خرد و کلان آن، شاخه‌ها و دانش‌های اجتماعی متفاوتی را به دنبال می‌آورد. آیا می‌توانید برخی از دانش‌هایی را که پیرامون

پدیده‌های اجتماعی شکل می‌گیرند نام ببرید؟

از جمله رشته‌هایی که اینک پیرامون پدیده‌های اجتماعی وجود دارد و در محیط‌های آموزشی مختلف فعال هستند عبارت‌اند از: اقتصاد، حقوق، سیاست، تاریخ، باستان‌شناسی، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، جمعیت‌شناسی، زبان‌شناسی، مدیریت، روان‌شناسی اجتماعی،



جغرافیای انسانی و ...

اقتصاد: علم مربوط به کنش‌های اقتصادی انسان در زمینه‌های تولید، توزیع، مبادله و مصرف است. این کنش‌ها، نظام اقتصادی را پدید می‌آورند.

حقوق: علم به آن دسته از قواعد زندگی اجتماعی است که ضمانت اجرای رسمی دارند و بخشی از روابط اجتماعی افراد را تعیین می‌کنند.



سیاست: علم اداره جامعه یا علم به پدیده قدرت و حکومت است که یکی از خرده نظام‌های اجتماعی است.

تاریخ: علمی است که پدیده‌های اجتماعی را به لحاظ زمانی بررسی می‌کند.
باستان‌شناسی: واقعیت‌های انسانی و اجتماعی را از گذشته دورتر، براساس آثار و بقایای انسانی جست‌وجو می‌کند.



مردم‌شناسی: کنش اجتماعی و روابط اقوام محلی و گروه‌های نژادی و همچنین ابعاد فرهنگی جوامع پیشین و جوامع شهری را مطالعه می‌کند.

جامعه‌شناسی: با مردم‌شناسی وجوه مشترک فراوانی دارد. بیشتر به جوامع معاصر و مدرن می‌پردازد. در این علم، رشته‌های فرعی فراوانی به وجود آمده است که به بخش‌های مختلف زندگی اجتماعی بشر می‌پردازند؛ مانند: جامعه‌شناسی شهری، جامعه‌شناسی کار و صنعت، جامعه‌شناسی روستایی و جامعه‌شناسی علم.

براساس تعاریف بعضی از جامعه‌شناسان، جامعه‌شناسی را شناخت کنش اجتماعی انسان و بعضی دیگر شناخت نظام‌های اجتماعی دانسته‌اند. گروه اول به پدیده‌های اجتماعی خرد، یعنی کنش اجتماعی نظر دارند، به جامعه‌شناسی آنان، جامعه‌شناسی خرد می‌گویند. به جامعه‌شناسی گروه دوم که پدیده‌های اجتماعی کلان را مورد نظر قرار داده‌اند، جامعه‌شناسی کلان گفته می‌شود. البته جامعه‌شناسی می‌تواند پدیده‌های اجتماعی را در هر دو سطح خرد و کلان مورد بررسی قرار دهد.

تحلیل کنید

علمی را نام ببرید که براساس تعریف ارائه شده از علوم انسانی، در حوزه علوم انسانی باشد ولی جزء علوم اجتماعی نباشد.

خلاصه کنید

– علوم اجتماعی، علم به کنش اجتماعی انسان و پیامدهای آن است.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

مفاهیم کلیدی

علوم اجتماعی؛

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

آنچه از این درس آموختیم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

تاریخچه جامعه‌شناسی



جامعه‌شناسی پوزیتیویستی

علوم اجتماعی در طول تاریخ اندیشهٔ بشری به صورت‌های گوناگون حضور داشته است؛ در قرن نوزدهم میلادی، صورت جدیدی از این دانش با نام جامعه‌شناسی متولد شد. ویژگی‌های جامعه‌شناسی قرن نوزدهم چیست؟

در قرن نوزدهم، نوعی از حس‌گرایی که شناخت علمی را به دانش حسی و تجربی محدود می‌کرد، غالب شد. این جریان را «اثبات‌گرایی» یا «پوزیتیویسم» می‌نامند. با غلبهٔ اثبات‌گرایی و رشد علوم طبیعی، نوع جدیدی از دانش اجتماعی که الگو و روش خود را از علوم طبیعی می‌گرفت به وجود آمد.



اگوست کنت (۱۸۵۷-۱۷۹۸م) که بنیان‌گذار این نوع از دانش اجتماعی شناخته می‌شود، در ابتدا با تأثیرپذیری از علوم طبیعی، این دانش را «فیزیک اجتماعی» خواند و سپس لفظ «جامعه‌شناسی» را برای آن برگزید.

موضوع، روش و هدف این دانش را می‌توان به صورت زیر بیان کرد:

موضوع: جامعه‌شناسی قرن نوزدهم موضوع خود، یعنی جامعه و پدیده‌های اجتماعی، را مانند یکی از پدیده‌های انداموار طبیعی، در نظر می‌گرفت و تفاوت میان موضوع علوم طبیعی و علوم اجتماعی را نادیده می‌انگاشت.

روش: جامعه‌شناسی پوزیتیویستی، روش صرفاً حسی و تجربی را به عنوان روش علمی به رسمیت می‌شناخت. براساس این دیدگاه، کسانی که از منابع معرفتی عقل و وحی برای شناخت عالم استفاده کنند، از شناخت علمی بهره‌ای ندارند؛ و دانش اجتماعی پیشینیان نیز به دلیل استفاده از این منابع، غیر علمی است.



● آزمایشگاه ویلهلم وونت

ونت با الگوپذیری از علوم طبیعی نخستین آزمایشگاه روانشناسی را در سال ۱۸۷۹ در دانشگاه لایپزیک تأسیس کرد. اعتقاد او این بود که ذهن و رفتار انسان مانند مواد شیمیایی می‌تواند موضوع تحلیل تجربی قرار گیرد. بعضی از اندیشمندان علوم اجتماعی متأثر از روش و سبک کار آزمایشگاه ایشان بوده‌اند.

هدف: در قرن نوزدهم، با غلبهٔ رویکرد دنیوی در جامعهٔ صنعتی جدید، ارزش‌ها و هنجارهای پیشین جامعه دچار تزلزل شده بود. هدف جامعه‌شناسی در آن مقطع، شناخت پدیده‌های اجتماعی برای پیش‌بینی و کنترل آنها بود.

تحلیل کنید

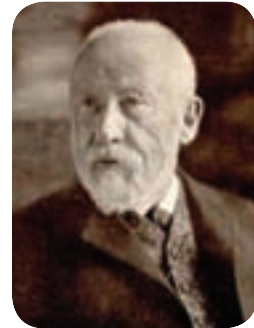
- جامعه‌شناسی در قرن نوزدهم الگوی خود را از کدام دسته از علوم می‌گرفت؟
- چرا در قرن نوزدهم میلادی، از منظر جامعه‌شناسی پوزیتیویستی دانش اجتماعی پیشینیان غیرعلمی دانسته شد؟

جامعه‌شناسی تفهّمی

در پایان قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم، با آن که روش تجربی همچنان به عنوان روش اصلی شناخت علمی مورد پذیرش جامعه علمی بود، تعدیل‌هایی در جامعه‌شناسی به وجود آمد و با این تعدیل‌ها، نوع جدیدی از جامعه‌شناسی شکل گرفت که به آن «جامعه‌شناسی تفهّمی» می‌گویند. خصوصیات این نوع از جامعه‌شناسی چیست؟

دیلتای متفکر آلمانی (۱۹۱۲-۱۸۳۳م.) با توجه به ویژگی‌های کنش‌های انسانی و معنادار بودن آنها، به تفاوت موضوعات علوم انسانی و علوم طبیعی، پی برد.

ماکس وبر، جامعه‌شناس آلمانی (۱۹۲۰-۱۸۶۴م.) با تأثیرپذیری از دیلتای توانست نوع جدیدی از جامعه‌شناسی را بنیان گذارد که کمتر از علوم طبیعی الگو می‌گرفت. خصوصیات این نوع از جامعه‌شناسی را از جهت موضوع، روش و هدف می‌توان به صورت زیر بیان کرد:



دیلتای متفکر آلمانی

موضوع: او موضوع جامعه‌شناسی را کنش‌های اجتماعی انسان معرّفی کرد. براساس این دیدگاه، موضوع جامعه‌شناسی از نوع موضوعات طبیعی نیست که فقط با مشاهده و آزمون شناخته شود بلکه رفتارهای معناداری است که فقط از طریق فهم و دریافت معانی آنها شناخته می‌شوند. به علت توجهی که ماکس وبر به ضرورت فهم معانی رفتار کنشگران داشت، جامعه‌شناسی او را «جامعه‌شناسی تفهّمی» می‌نامند.

روش: ماکس وبر با آن که همچنان به حس و تجربه به عنوان شاخص اصلی شناخت علمی اهمیت می‌داد، به دو نکته مهم توجه کرد:

اول - ذهن و عقل انسان در جریان شناخت تأثیر فعال دارد.

دوم - شناخت علمی به روش تجربی محدودیت‌هایی دارد. از نظر او، جامعه‌شناسی علمی به دلیل خصلت تجربی خود، نمی‌تواند داورهای ارزشی کند، و دربارهٔ آرمان‌ها و ارزش‌های اجتماعی جوامع مختلف قضاوت نماید یا آنکه از جامعهٔ آرمانی سخن بگوید.

هدف: در جامعه‌شناسی تفهیمی، هدف، داورهای ارزشی و انتقادی نسبت به ارزش‌ها در نظام اجتماعی نیست بلکه فهم پدیده‌های اجتماعی برای پیش‌بینی و کنترل آن‌هاست.

در این نگاه، جامعه‌شناسی مانند علوم طبیعی بیشتر جنبهٔ ابزاری پیدا می‌کند.

تحلیل کنید

چرا جامعه‌شناسی تفهیمی نمی‌تواند داورهای ارزشی داشته باشد؟

جامعه‌شناسی انتقادی

جامعه‌شناسی از پایان قرن نوزدهم با توجه به تفاوت «موضوع» خود، از علوم طبیعی فاصله گرفت و طی قرن بیستم با توجه به تفاوت «روش» خود نیز به تدریج به روش‌های غیرتجربی اهمیت داد. این امر، نوع جدیدی از جامعه‌شناسی را که جامعه‌شناسی انتقادی نامیده می‌شود، پدید آورد.



● صحنه‌ای از فیلم
عصر جدید چارلی چاپلین

ویژگی‌های جامعه‌شناسی انتقادی چیست؟

جامعه‌شناسی انتقادی و دیدگاه‌های پایان قرن بیستم با جامعه‌شناسی قرن نوزدهم تفاوت‌هایی از نظر موضوع، روش و هدف پیدا کرده است.

موضوع: جامعه‌شناسی انتقادی مانند جامعه‌شناسی تفهیمی، موضوع خود را از نوع موضوعات طبیعی نمی‌داند بلکه به کنش‌های انسانی و نقش آگاهی و اراده در آن توجه دارد.

روش: این نوع جامعه‌شناسی به شناخت حسی و تجربی بسنده نمی‌کند بلکه سطوح دیگری از معرفت و عقلانیت را - که در فرهنگ و عرف اجتماعی بشر حضور دارد - برای شناخت علمی به رسمیت می‌شناسد؛ به همین دلیل، داوری‌های ارزشی را نیز - با آن که معیاری تجربی ندارند - جزء علوم اجتماعی می‌داند. جامعه‌شناسی، این بخش از دانش یعنی داوری‌های ارزشی خود را با روش‌ها و استدلال‌های غیرحسی و غیرتجربی دنبال می‌کند.

هدف: جامعه‌شناسی انتقادی، فقط یک علم ابزاری نیست تا در خدمت وضع موجود و به پیش‌بینی و پیش‌گیری حوادث مشغول باشد بلکه دانشی است که با داوری نسبت به ارزش‌ها و هنجارها، توصیه‌های خود را جهت گذار از نظام موجود به سوی نظام مطلوب، انجام می‌دهد. از این دیدگاه، جامعه‌شناسی پوزیتیویستی و تفهّمی، دیدگاه‌هایی محافظه‌کارانه‌اند؛ زیرا قادر به داوری نسبت به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی نیستند و به همین دلیل به شرایط موجود تن می‌دهند.

مقایسه‌کنید

با کامل کردن جدول زیر شباهت‌ها و تفاوت‌های جامعه‌شناسی پوزیتیویستی، تفهّمی و انتقادی را توضیح دهید.

جامعه‌شناسی انتقادی	جامعه‌شناسی تفهّمی	جامعه‌شناسی پوزیتیویستی	نوع معیار
			موضوع
			روش
			هدف

خلاصه کنید

- جامعه‌شناسی پوزیتیویستی در قرن نوزدهم در اثر
غلبه حس‌گرایی و محدود کردن شناخت علمی به شناخت
حسی و تجربی، به وجود آمد.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

مفاهیم کلیدی

جامعه‌شناسی

پوزیتیویستی؛

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

آنچه از این درس آموختیم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

پیشینه علوم اجتماعی در یونان و جهان اسلام



ارسطو



فارابی



ابن سینا

موضوع و اهمیت علوم اجتماعی

علوم اجتماعی قبل از قرن نوزدهم نیز در تاریخ اندیشه بشری به صورت یک دانش مستقل حضور داشت. بسیاری از دانشمندان در طبقه بندی علوم، جایگاه ویژه‌ای برای آن قائل بودند. این جایگاه نشان‌دهنده نحوه نگاه آنان به موضوع این دانش هم بود، موضوع دانش اجتماعی و اهمیت آن قبل از قرن نوزدهم چه بوده است؟

قبل از غلبه حس‌گرایی، برخی از دانشمندان جهان اسلام، مانند فارابی، ابن سینا و همچنین

قبل از آنان اندیشمندان یونانی چون ارسطو، علوم را در یک تقسیم‌بندی کلان، براساس موضوع آنها به دو دسته تقسیم می‌کردند:

اول: علوم نظری

دوم: علوم عملی.

علم نظری، به هر علم و دانشی می‌گویند که موضوع آن مستقل از اراده و آگاهی انسان است، و علم عملی، به دانشی گفته می‌شود که موضوع آن با اراده و آگاهی انسان پدید می‌آید. علوم عملی در این تعریف معنایی معادل با علوم انسانی دارد.

از نظر آنان، علوم نظری به علوم طبیعی یا تجربی منحصر نمی‌شود و دارای سه بخش اصلی است:

اول: علمی که به قوانین عام هستی می‌پردازد و آن را متافیزیک یا فلسفه به معنای خاص می‌نامند.

دوم: علمی که موضوع آن اندازه و مقدار است؛ این بخش از علم شامل دانش‌های ریاضی می‌شود.

سوم: دانشی که موضوع آن موجودات مادی و طبیعی است. این دانش را علم طبیعی می‌نامند.



علوم عملی نیز که همان علوم انسانی است، به سه بخش تقسیم می‌شود:

اول: علم اخلاق

دوم: علم خانواده و تدبیر منزل

سوم: علم جامعه (سیاست) و تدبیر مُدُن.

تقسیم‌بندی فوق نشان می‌دهد که متفکران مسلمان و برخی از اندیشمندان یونان از دیرباز با علوم انسانی و اجتماعی آشنایی داشته و تفاوت این علوم را با علوم طبیعی، ریاضی و همچنین متافیزیک در نظر داشته‌اند.

با هم ببینید

- تفاوت علوم نظری و علوم عملی را بیان کنید.
- متافیزیک (فلسفه به معنای خاص) جزء کدام دسته از علوم است؟
- علوم انسانی و اجتماعی جزء علوم نظری‌اند یا علوم عملی؟ دلیل آن را بیان کنید.

علم تدبیر مُدُن

متفکران مسلمان با شناخت تفاوت موضوع علم عملی و نظری، دانش اجتماعی را شبیه علوم طبیعی نمی‌دانستند و به همین دلیل، دانش اجتماعی آنان از نوع جامعه‌شناسی پوزیتیویستی نیست. آنان به دلیل این که شناخت علمی را به شناخت حسی و تجربی محدود و مقید نمی‌کنند، به محدودیت‌های جامعه‌شناسی تفهیمی نیز گرفتار نمی‌شوند. اینک جای این پرسش هست که دانش اجتماعی آنان چه تفاوت‌هایی با جامعه‌شناسی انتقادی دارد؟

جامعه‌شناسی انتقادی در روش خود از محدود کردن شناخت علمی به شناخت تجربی فاصله می‌گیرد. با فراتر رفتن از محدوده علم تجربی و ابزاری سطوح دیگری از علم را که توان داورى ارزشی و هنجاری داشته باشد، جستجو می‌کند. ولی در این راستا با مشکل مواجه می‌شود؛ زیرا از نشان دادن معیار و میزانی که فراتر از محصولات اجتماعی و تاریخی انسان بوده و برای همگان معتبر باشد باز می‌ماند؛ اما متفکرانی که در مباحث فلسفی خود، عقل را نیز هم چون حس و تجربه به عنوان یک ابزار مستقل معرفتی به رسمیت می‌شناسند، برای داورى ارزشی و هنجاری

مشکلی ندارند. آنان همان‌گونه که علوم را به دو بخش نظری و عملی تقسیم می‌کنند، عقل را نیز به نظری و عملی تقسیم می‌کنند.

عقل نظری قوه‌ای است که به شناخت هستی‌ها می‌پردازد. این قوه به کمک حس و با روش تجربی، هستی‌های طبیعی را می‌شناسد و به‌طور مستقل و با روش تجریدی^۱، احکام ریاضی و متافیزیکی را درمی‌یابد.

در مقابل، عقل عملی قوه‌ای است که باید‌ها و نیاید‌ها و احکام ارزشی را می‌شناسد و دربارهٔ ارزش‌های فردی و اجتماعی داوری می‌کند؛ مانند تشخیص خوبیِ عدالت و بدیِ ظلم. علم اجتماعی هنگامی که با استفاده از عقل و وحی توان داوری دربارهٔ ارزش‌های اجتماعی را پیدا می‌کند، با حفظ هویت علمی خود وظیفهٔ تدبیر اجتماعی را نیز بر عهده می‌گیرد؛ از این‌رو، فارابی علم اجتماعی را علم تدبیر مُدُن، یعنی علم تدبیر جوامع می‌نامد.

تفسیر کنید

تفاوت عقل عملی با عقل نظری چیست و عقل عملی چه تأثیری بر علوم اجتماعی دارد؟



● علامه طباطبایی

سید محمد حسین طباطبایی مشهور به علامه (۱۲۸۱ - ۱۳۶۰ ه. ش) یکی از فیلسوفان و مفسران بزرگ جهان اسلام در سه قرن اخیر بوده است. اهمیت ایشان به لحاظ علمی در احیای حکمت و فلسفه و تفسیر است. تفسیر المیزان، اصول فلسفه و روش رئالیسم و مباحثات ایشان با شرق‌شناس فرانسوی هانری کربن از آثار ماندگار ایشان است. علامه طباطبایی از فیلسوفانی است که امتداد اندیشه‌های فلسفی خود را در قلمرو و علوم اجتماعی نیز پی می‌گیرد. ایشان با طرح ابعاد فلسفی مبحث اعتباریات، از آن در تبیین واقعیت‌های اجتماعی بهره می‌برد.

۱ - در مراحل شکل‌گیری مفاهیم کلی، توانایی ذهن در جدا کردن جنبه‌های مشترک از جنبه‌های غیر مشترک مفاهیم «تجرید» نامیده می‌شود.

عقل عملی و پدیده‌های اعتباری

عقل عملی نه تنها مشکلات جامعه‌شناسی را برای داوری‌های ارزشی و فعالیت‌های تدبیری حل می‌کند، بلکه راز تفاوت پدیده‌های اجتماعی و انسانی را با پدیده‌های طبیعی نیز می‌گشاید. به نظر شما، پدیده‌های اجتماعی چه تفاوتی با سایر موجودات دارند؟ این پدیده‌ها چگونه به وجود می‌آیند؟



پیش از این دانستیم علوم عملی که شامل علوم انسانی و اجتماعی هستند، درباره‌ی هستی‌ها و موجوداتی بحث می‌کنند که با اراده و آگاهی انسان ایجاد می‌شوند و علوم دیگر – که از آنها با عنوان علوم نظری یاد شد – درباره‌ی سایر موجودات بحث می‌کنند.

علامه طباطبایی، فیلسوف معاصر جهان اسلام، کاوش‌هایی درباره‌ی عقل نظری و عقل عملی انجام داده است. از نظر ایشان عقل عملی انسان را در انجام عملش یاری می‌رساند و در این مسیر پدیده‌هایی را ایجاد و اعتبار می‌کند. این پدیده‌ها در علوم عملی، یعنی علوم انسانی و اجتماعی، بررسی می‌شوند. او چنین پدیده‌هایی را که با قرارداد و اعتبار عقل عملی ایجاد می‌شوند «اعتباریات» می‌نامد؛ مانند گروه، خانواده، جامعه و قواعد و مقرراتی که انسان‌ها وضع می‌کنند.

اعتباریات یا پدیده‌هایی که با اعتبار عقل عملی ایجاد می‌شوند دارای دو ویژگی هستند:

(۱) به خواست و اراده‌ی انسان به وجود می‌آیند؛ (۲) دارای آثار و پیامدهای غیرارادی و تکوینی هستند

هم‌اندیشی کنید

- دو پدیده‌ی اعتباری نام ببرید و یک اثر و پیامد غیراعتباری برای هر کدام ذکر کنید.
- آیا موجودات طبیعی مانند اشیا، جانوران و گیاهان از پدیده‌های اعتباری هستند؟ دلیل بیاورید.

خلاصه کنید

- قبل از غلبه حس گرایی، دانشمندان علوم را به دو بخش نظری و عملی تقسیم کرده‌اند.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

مفاهیم کلیدی

علوم نظری؛ علوم عملی، ...

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

آنچه از این درس آموختیم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

فصل دوم

جهان اجتماعی

- ۱— جهان اجتماعی و جهان طبیعی
- ۲— اجزا و لایه‌های جهان اجتماعی
- ۳— انواع جهان اجتماعی
- ۴— پیامدهای جهان اجتماعی
- ۵— جهان‌های اجتماعی

انتظار می‌رود در پایان این فصل دانش آموز:

- مفهوم «جهان اجتماعی» را تفسیر کند؛
- ویژگی‌های جهان اجتماعی را در مقایسه با جهان طبیعی تحلیل کند؛
- اجزا و لایه‌های جهان اجتماعی را تشریح کند؛
- فرصت‌ها و محدودیت‌های جهان اجتماعی را توضیح دهد؛
- انواع تفاوت‌ها و تغییرات جهان اجتماعی را بیان کند؛
- عناصر و مؤلفه‌های اساسی جهان اسلام را بیان کند؛
- انواع جهان‌های اجتماعی را نام ببرد.



جهان اجتماعی و جهان طبیعی



ویژگی‌های مشترک موجودات زنده

موجودات جهان طبیعی را به زنده و غیرزنده تقسیم کرده‌اند؛ منظور از موجودات زنده، گیاهان و حیوانات است. به نظر شما موجودات زنده چه ویژگی‌های مشترکی دارند؟

موجودات زنده را موجودات اندام‌واره یا ارگانیک می‌نامند. برخی از ویژگی‌های این دسته

از موجودات عبارتند از:



۱- دارای اندام و اعضای متفاوتی هستند، مثلاً گیاه دارای ریشه، ساقه و برگ است و بدن انسان، قلب، مغز، دست و ... دارد.

۲- اعضای موجود زنده به یکدیگر وابسته‌اند و اغلب نمی‌توانند به صورت مستقل تداوم یابند و هریک از آنها برخی از نیازهای اعضای دیگر را تأمین می‌کند.

۳- اعضاء برای حفظ و تداوم حیات موجود زنده با یکدیگر عمل می‌کنند؛ از این رو، برخی از اعضا هنگامی که موجود زنده به آنها نیاز داشته باشد به وجود می‌آیند یا بعد از رفع نیاز موجود زنده از بین می‌روند.

۴- اعضا برای تأمین هدف مشترک خود از چپش و نظم‌ی مناسب برخوردارند.

۵- عضویت اعضای موجودات زنده و روابط و ساختار آنها تکوینی است؛ یعنی، براساس آگاهی و اراده اعضا به وجود نمی‌آیند و به همین دلیل با اراده اعضا تغییر نمی‌کنند.

نمونه بیاورید

در مراحل مختلف رشد موجودات زنده، بعضی از عضوها و اندامها، بر حسب نیاز در بدنشان پدید می‌آید و پس از رفع آن نیاز از بین می‌روند. آیا می‌توانید بعضی از این اعضاء و اندامها را نام ببرید؟

جهان اجتماعی در مقایسه با موجودات زنده

برخی جهان اجتماعی انسان را به بدن موجودات زنده (ارگانیسم) تشبیه کرده‌اند؛ مانند سعدی که می‌گوید: «بنی آدم اعضای یک پیکرند».

به نظر شما، آیا این تشبیه کامل است؟ اگر کامل نیست، چه تفاوتی بین موجود زنده و جهان اجتماعی انسان وجود دارد؟

جهان اجتماعی همان نظام اجتماعی است؛^۱ این جهان بی‌شباهت با موجودات زنده نیست. برخی از ویژگی‌های موجود زنده در جهان اجتماعی نیز وجود دارد. جهان اجتماعی مانند بدن یک موجود زنده دارای اعضای مختلف است و این اعضا در ارتباط با هم از نوعی نظم برخوردارند. با وجود همه این شباهت‌ها، تفاوت‌های مهمی میان اندام‌واره‌ی موجود زنده با جهان اجتماعی وجود دارد. مهم‌ترین و اصلی‌ترین تفاوت این است که نظم و چینش عناصر و اعضای جهان اجتماعی، طبیعی و تکوینی نیست، بلکه با اراده و آگاهی انسان تعریف می‌شود و با قرارداد و اعتبار انسان‌ها به وجود می‌آیند.

جهان اجتماعی بیش‌تر شبیه یک بازی گروهی است. در بازی گروهی مثل فوتبال، اعضای مختلفی باید شرکت داشته باشند، هویت هر عضو و کاری که او انجام می‌دهد، توسط بازیکنان تعریف شده یا مورد قبول واقع می‌شود و بر این اساس، بازی ادامه پیدا می‌کند.

کارگران، کشاورزان، دانش‌آموزان، معلمان و همچنین خرده‌نظام‌های اجتماعی مانند آموزش و پرورش، خانواده و... اعضای جهان اجتماعی‌اند. انسان‌ها با پذیرش و قبول این عضویت به جهان اجتماعی راه می‌یابند؛ نقش مربوط به خود را بر عهده می‌گیرند و از مزایا، حقوق و تکالیف مربوط به عضویت خود برخوردار می‌شوند.

بر اساس آنچه در درس هفتم گفتیم، تفاوت جهان اجتماعی با موجودات زنده در این است که جهان اجتماعی پدیده‌ای ارادی و اعتباری است؛ ولی موجود زنده، پدیده‌ای تکوینی است.



تحلیل کنید

- شما در جهان اجتماعی خود، چه نقش‌هایی بر عهده دارید و از چه مزایایی برخوردارید؟
- به چه دلیل جهان اجتماعی پدیده‌ای طبیعی و تکوینی نیست؟

۱- در سالهای بالاتر با مفاهیم جهان اجتماعی و نظام اجتماعی بیشتر آشنا می‌شویم.

فرهنگ و بازتولید جهان اجتماعی

زندگی موجودات زنده طی نسل‌های مختلف از طریق صفات ارثی تداوم پیدا می‌کند؛ به نظر شما جهان اجتماعی چگونه تداوم می‌یابد؟

جهان اجتماعی و نظم آن، پدیده‌ای طبیعی و تکوینی نیست بلکه هستی آگاهانه‌ای دارد. به‌علاوه آگاهی و شناختی که جهان اجتماعی براساس آن شکل می‌گیرد، یک آگاهی فردی و خصوصی نیست بلکه نوعی آگاهی مشترک و عمومی است. همان‌گونه که در یک بازی جمعی بازیکنان نمی‌توانند نسبت به قواعد بازی یا عضویت دیگران بی‌اطلاع باشند؛ یا قواعد و عضویت آنان را نپذیرند، در کنش‌های اجتماعی نیز کنشگران نمی‌توانند نسبت به حضور دیگران و جایگاه و نقش آنان، بی‌توجه و غافل باشند.



در زمین فوتبال بازیکنان، داوران و تماشاگران قواعد بازی را می‌دانند. عضویت و نقش یکدیگر را می‌شناسند. بدون این مجموعه شناخت‌ها، بازی فوتبال ممکن نیست. زندگی اجتماعی نیز با چنین شناخت‌هایی ممکن می‌شود. شاید تا به حال توجه کرده‌اید که وقتی با غریبه‌ای برخورد می‌کنید در ابتدا حرف چندان برای گفتن با یکدیگر ندارید، ولی بعداً با یکی دو پرسش (مانند شما چه کاره‌اید؟ یا اهل کجا هستید؟) سرگفت و گو را باز می‌کنید. هدف شما از این پرسش‌ها پی بردن به نقش و جایگاه طرف مقابل و پیدایش آگاهی مشترک برای تعامل با یکدیگر است.

در تعریفی، می‌توان گفت: به مجموعه شناخت مشترکی که جهان اجتماعی براساس آن شکل می‌گیرد، «فرهنگ» گفته می‌شود.

فرهنگ از طریق صفات ارثی از یک نسل به نسل دیگر منتقل نمی‌شود بلکه به‌وسیله آموزش، تعلیم و تربیت، انتقال پیدا می‌کند.

هرگاه یک نسل نتواند فرهنگ خود را حفظ کند یا نتواند آن را به نسل بعد منتقل سازد، جهان اجتماعی آن فرو می‌ریزد یا دگرگون می‌شود. هر جامعه طی نسل‌های مختلف، با انتقال فرهنگ خود به بازتولید خویش می‌پردازد.



گفت‌وگو کنید

- کدام بخش از فرهنگ توسط خانواده و کدام بخش توسط مدرسه انتقال پیدا می‌کند؟ نمونه‌هایی را بیان کنید.
- شیوه انتقال فرهنگ مربوط به حرفه‌ها در جوامع گذشته و امروز چه تغییراتی کرده است؟

خلاصه کنید

– موجودات زنده، دارای اعضای وابسته به یکدیگرند.

مفاهیم کلیدی

جهان اجتماعی؛

آنچه از این درس آموختیم

اجزا و لایه‌های جهان اجتماعی



اجزای جهان اجتماعی

همان‌گونه که موجودات اندام‌واره، دارای اجزای متفاوت‌اند، جهان اجتماعی نیز اجزای مختلفی دارد. دانشمندان این اجزا را به صورت‌های مختلفی تقسیم کرده‌اند. شما این کار را چگونه انجام می‌دهید؟

تقسیم براساس نظام اجتماعی: در سال گذشته، با مفهوم نظام اجتماعی آشنا شدیم و آموختیم که پدیده‌های اجتماعی را براساس خرده نظام‌ها می‌توان تقسیم کرد. خرده نظام‌هایی که تاکنون با آنها آشنا شده‌ایم، عبارت‌اند از: اقتصادی، سیاسی، خانواده و آموزش. هر پدیده اجتماعی به یکی از این خرده نظام‌ها مربوط می‌شود. مثلاً کالا پدیده اجتماعی مربوط به نظام اقتصادی و ازدواج، پدیده اجتماعی مربوط به نظام خانواده است.

تقسیم براساس اندازه و دامنه: برخی از دانشمندان پدیده‌های اجتماعی را براساس اندازه

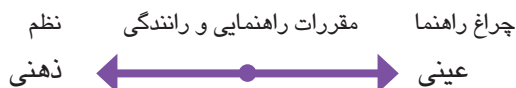
و دامنه آنها، تقسیم می‌کنند. در این تقسیم‌بندی می‌توان پیوستاری ترسیم کرد که در یک سوی این پیوستار، پدیده‌های خرد، مثل کنش‌های اجتماعی افراد و در سوی دیگر پدیده‌های کلان، مثل نظام اجتماعی قرار دارند و در میانه پیوستار، پدیده‌هایی که دامنه متوسط دارند، قرار می‌گیرند.



تقسیم بر اساس ذهنی و عینی بودن: هیچ‌یک از اجزای جهان اجتماعی بدون معنا نیست؛

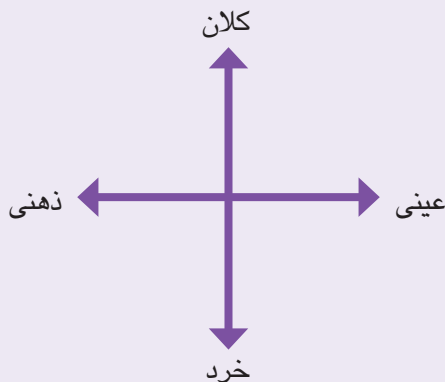
به همین دلیل، همه پدیده‌های اجتماعی، هویتی معنایی و ذهنی دارند، اما همه‌ی پدیده‌های اجتماعی دارای بُعد محسوس و عینی نیستند؛ پدیده‌های اجتماعی را از جهت عینی و محسوس بودن یا ذهنی و نامحسوس بودن در یک پیوستار قرار می‌دهند.

در یک سوی پیوستار، پدیده‌هایی هستند که بُعد محسوس قوی‌تری دارند؛ مانند: ساختمان‌های مسکونی و اداری یا کنش‌های بیرونی و در سوی دیگر، پدیده‌های کاملاً ذهنی قرار می‌گیرند؛ مثل: عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌های اجتماعی.



تمرین کنید

جایگاه پدیده‌های اجتماعی زیر را بر روی دو پیوستار خرد – کلان و ذهنی – عینی تعیین کنید. شهر، هدیه‌دادن برای روز تولد یک دوست، عدالت اجتماعی،



لایه‌های جهان اجتماعی

اعضای متفاوت بدن موجود زنده اهمیت یکسانی ندارند. برخی مهم و برخی مهم‌ترند. مثلاً اهمیت قلب و مغز بیشتر از چشم و دست است. بدون چشم و دست می‌توان زنده ماند، اما بدون قلب و مغز نمی‌توان زندگی کرد. آیا می‌دانید نسبت اجزای مختلف جهان اجتماعی چگونه است؟ آیا همه آنها اهمیتی یکسان دارند؟

در این درس، این مطلب را می‌آموزیم که اجزا و بخش‌های مختلف جهان اجتماعی دارای اهمیتی یکسان نیستند؛ بخش‌هایی به سهولت تغییر پیدا می‌کنند و تغییر آنها، تحولی مهم در جهان اجتماعی پدید نمی‌آورد؛ برخی می‌توانند حذف شوند و با حذف آنها جهان اجتماعی استمرار پیدا می‌کند؛ اما بخش‌های دیگر نمی‌توانند حذف شوند، چون با حذف آنها، جهان اجتماعی فرو می‌ریزد و برخی از آنها به گونه‌ای هستند که با تغییرشان، جهان اجتماعی نیز تغییر بنیادین پیدا می‌کند و



به صورت جهانی جدید درمی‌آید.

به بخش‌هایی که امکان تغییر بیشتر داشته و نقش حیاتی و اساسی ندارند، «لایه‌های سطحی جهان اجتماعی» و به بخش‌هایی که تأثیر حیاتی و تعیین‌کننده برای جهان اجتماعی دارند، «لایه‌های عمیق و بنیادین جهان اجتماعی» می‌گوییم.

پاسخ دهید:

کدام یک از پدیده‌های اجتماعی زیر، بر زندگی اجتماعی تأثیر حیاتی و تعیین‌کننده دارند: خانواده، نظام تعلیم و تربیت، لهجه‌های مختلف زبان، آداب جشن تولد؟

نمادها و عقاید

در لایه‌های عمیق جهان اجتماعی، اجزا و پدیده‌هایی قرار دارند که تأثیرات همه‌جانبه و فراگیر نسبت به دیگر اجزا دارند و کمتر در معرض تغییر و تحول قرار می‌گیرند؛ اما لایه‌های سطحی، هم تأثیرات محدودتری دارند و هم بیشتر در معرض تغییرند. به نظر شما، عمیق‌ترین و سطحی‌ترین لایه‌های اجتماعی کدام‌اند؟

شما می‌دانید که «از جای برخاستن» گاهی به معنای احترام‌کردن و گاهی به معنای اعتراض است. برخاستن هنگام ورود کسی، نشانهٔ احترام به اوست و گاهی برخاستن در حین سخنرانی یک فرد، نشانهٔ بی‌احترامی به او است و زمانی برخاستن نمایندگان مجلس هنگام رأی دادن به



طرح‌ها و لوايح، نشانه‌ی تأييد بود.

به چيزی که به عنوان نشانه يا نماينده پديده ديگری به کار می‌رود نماذ گفته می‌شود. انسان‌ها از نماها اغلب برای انتقال معانی استفاده می‌کنند. زبان گفتاری و نوشتاری، بخشی از نماهایی است که در کنش‌های انسانی مورد استفاده قرار می‌گیرد و از آشکارترین و سطحی‌ترین پديده‌های اجتماعی هستند.

هیچ جامعه‌ای بی‌نیاز از کنش‌ها و رفتارهای نمادین نیست، ولی نماها برحسب شرایط در زمینه‌های مختلف قابل تغییرند و تغییر آنها تا زمانی که به تغییر در لایه‌های عمیق اجتماعی منجر نشود، موجب تحول و تغییر جهان اجتماعی نمی‌شود.

عقاید و ارزش‌ها در لایه‌های عمیق قرار می‌گیرند. عمیق‌ترین لایه اجتماعی، عقاید کلانی هستند که بر آرمان‌ها و ارزش‌های اجتماعی تأثیر می‌گذارد. باور و اعتقادی که انسان نسبت به اصل جهان و جایگاه انسان در آن دارد و تفسیری که او از زندگی و مرگ خود دارد، عمیق‌ترین پديده‌های اجتماعی‌اند.

جامعه‌ای که جهان را به زندگی دنیا محدود می‌کند و دل به این جهان می‌سپارد، آرمان‌ها و ارزش‌ها، هنجارها و نماهای خود را متناسب با آن شکل می‌دهد؛ اما جامعه‌ای که جغرافیای هستی را فراتر از زندگی دنیا می‌بیند، جایگاه انسانی، آرمان‌ها، ارزش‌ها، حقوق و تکالیف او را متناسب با آن سازمان می‌دهد.

نمونه بیاورید

در نظام خانواده برای عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و نماها یک مثال بیاورید:



خلاصه کنید

- جهان اجتماعی را می‌توان براساس خرده‌نظام‌های مختلف آن تقسیم کرد.

مفاهیم کلیدی

نماد؛

آنچه از این درس آموختیم

جهان‌های اجتماعی



گوناگونی جهان اجتماعی

همکاری اعضای موجودات اندامواره، طی نسل‌های مختلف، واحد و یکسان است. همکاری حیواناتی که به صورت جمعی زندگی می‌کنند طی عصرهای متمدنی تفاوت نمی‌کند. مثلاً زنبور عسل از هزاران سال قبل تاکنون با نظامی واحد زندگی می‌کند. آیا جهان اجتماعی انسان نیز شکلی واحد دارد؟ آیا ما انسان‌ها تنها یک نوع جهان اجتماعی داریم؟

همه ما در جهان اجتماعی متولد می‌شویم و پس از ما نیز جهان اجتماعی همچنان وجود دارد. اگر ما فقط جهانی را ببینیم که در آن متولد شده‌ایم، شاید گمان کنیم که جهان اجتماعی دارای شکل واحدی است و صورت‌های متنوعی ندارد. هنگامی که چشم خود را بر جوامع دیگری می‌گشاییم که هم اینک در دیگر نقاط جهان زندگی می‌کنند؛ یا هنگامی که به تاریخ گذشته خود

رجوع می‌کنیم و جهان خود را با آنان مقایسه می‌نماییم، به‌سرعت به تنوع جهان‌های اجتماعی پی می‌بریم.

انسان‌هایی که در مکانها و زمان‌های گوناگون زندگی می‌کنند، همکاری و تعامل اعضای بدن آنها مشابه و یکسان است، برای مثال، خون در رگ‌های همه با ضربان قلب جریان پیدا می‌کند. ریه اکسیژن هوا را جذب می‌کند. حیواناتی هم که در اطراف انسان‌ها زندگی می‌کنند، در هر جا که باشند، شیوه زندگی مشابهی دارند، اما انسان‌ها کنش‌های اجتماعی مختلفی دارند و در جهان‌های مختلفی زندگی می‌کنند.

دلیل تفاوت همکاری اعضا و اجزای جهان اجتماعی انسان‌ها با موجودات دیگر این است که رفتار آن موجودات ناآگاهانه یا غریزی است.

جهان اجتماعی بر دوش انسان آگاه و برخوردار از خلاقیت استوار است. انسان در قبال فرهنگی که از طریق آموزش و تربیت به او منتقل می‌شود، فقط موجودی منفعل و پذیرنده نیست؛ بلکه کنشگری فعال و تأثیرگذار نیز هست. تنوع معرفت انسان‌ها و همچنین تنوع اراده و اختیار آنها سبب پیدایش جهان‌های مختلف می‌شود.

مقایسه کنید

«آپارتاید» جامعه‌ای مبتنی بر تبعیض نژادی است. ارزش‌های انسانی جهان اجتماعی اسلام را با ارزش‌های انسانی جامعه مبتنی بر آپارتاید مقایسه کنید.



تغییرات جهان اجتماعی

تفاوت‌های فراوانی در جهان اجتماعی وجود دارد و تغییرات بسیاری درون آن رخ می‌دهد؛ نسل‌ها همواره در حال تغییرند، شیوه و سبک زندگی همواره تغییر پیدا می‌کند، نظام‌های سیاسی متحول می‌شوند و انقلاب‌های اجتماعی شکل می‌گیرند. آیا با هریک از این تغییرات، جهان اجتماعی جدیدی به وجود می‌آید؟



هر تغییری را که در زندگی اجتماعی رخ می‌دهد، نمی‌توان از نوع تغییر جهان اجتماعی، دانست. یک جهان اجتماعی واحد، تحولات و صورت‌های مختلفی را در درون خود می‌پذیرد. جمعیت یک جامعه کم یا زیاد می‌شود؛ اقتصاد آن رشد یا افول می‌کند و زبان و لهجه مردم دگرگون می‌شود، اما جهان اجتماعی هویت خود را حفظ می‌کند و گاه نیز جمعیت ثابت می‌ماند، درآمد ملی تغییر نمی‌کند و زبان متحول نمی‌شود؛ اما تفاوت‌های دیگری به وجود می‌آید که نشان از ظهور جهان اجتماعی جدید دارد.

تفاوت‌هایی که مربوط به لایه‌های سطحی جهان اجتماعی باشد، از نوع تفاوت‌هایی است

که در درون یک جهان واحد واقع می‌شود؛ اما تفاوت‌هایی که مربوط به لایه‌های عمیق جهان اجتماعی باشد و به عناصر ثابت و محوری آنها باز گردد، جزء تفاوت‌هایی است که یک جهان اجتماعی را به جهان اجتماعی دیگر تبدیل می‌کند.

تفاوت‌هایی که به ارزش‌های کلان، آرمان‌ها و اعتقادات اصلی باز می‌گردد، از نوع تفاوت‌های میان جهان‌های اجتماعی مختلف است و تفاوت‌هایی که به حوزه نمادها، هنجارها و مانند آن باز می‌گردد، تازمانی که ناشی از تغییرات عمیق‌تر نباشد یا به تفاوت در لایه‌های عمیق‌تر منجر نشود، درون یک جهان اجتماعی واحد باقی خواهند ماند.

گفت‌وگو کنید

در کلاس درباره سه نمونه از تفاوت‌های فرهنگی که درون جهان اجتماعی اسلام وجود دارد، گفت‌وگو کنید.

عناصر محوری جهان اسلام

دانستیم در بدن هر موجود زنده، برخی از اعضا نقش حیاتی دارند؛ یعنی، اعضایی‌اند که زندگی و مرگ موجود زنده وابسته به آنهاست. در هر جهان اجتماعی نیز برخی از معانی نقش کلیدی و حیاتی دارند؛ آیا می‌توانید عناصر کلیدی جهان اسلام را شناسایی کنید؟

ما با نام جهان اسلام آشناییم و خود در درون این جهان زندگی می‌کنیم. عناصر بنیادین و اصلی این جهان کدام‌اند؟ بدون شک زبان، نژاد و اموری از این قبیل را نمی‌توان در زمره این عناصر دانست؛ زیرا زبان‌ها و نژادهای مختلفی در این جهان وجود دارد که قبل از ظهور اسلام وجود داشته‌اند؛ به طوری که اعراب به زبان عربی و ایرانیان قبل از اسلام به فارسی سخن می‌گفتند.

معانی محوری اسلام، همان مفاهیم و حقایقی‌اند که قبل از آن در جامعه جاهلی آن روز نبود و جامعه جاهلی در قبال آنها مقاومت می‌کرد و مفاهیم محوری جهان جاهلیت قبل از اسلام، همان معانی است که اسلام آنها را از میان برد.

توحید و یکتاپرستی، عمیق‌ترین لایه اعتقادی جهان اسلام است. این معنا به نوبه خود،





خلافت و کرامت انسان و همچنین آیت و نشانه بودن جهان را نسبت به خداوند سبحان به دنبال آورد و ارزش‌ها و هنجارها و نمادهای بعدی را سازمان داد و معنا بخشید.

با آمدن مفاهیم و معانی بنیادین جهان اسلام، مفاهیم محوری جهان جاهلی شبه‌جزیره عربستان یعنی شرک و بت‌پرستی و نگاه نژادی و قبیله‌ای به انسان فرو ریخت و نمادهای مربوط به آنها نیز در هم شکست.

معانی عمیق و بنیادین هر فرهنگ در حکم بنیان‌ها و سنگرهای اصلی آن فرهنگ‌اند. جهان اسلام با نابود کردن سنگرهای کلیدی جامعه جاهلی، سطوح و لایه‌های پایین جامعه جاهلی را در خدمت معانی عمیق و حیاتی خود قرار داد و از این طریق، زبان عربی نیز حامل کلام و بیان الهی شد.

مقایسه کنید

● دو ارزش اجتماعی جهان اسلام را در مقایسه با ارزش‌های اجتماعی جهان جاهلی قبل از اسلام بیان کنید.

● شعر زیر دو دسته ارزش را در مقابل هم نشان می‌دهد آنها را بیان کنید:

مرد حجی هم‌ره حاجی طلب	خواه هندی، خواه ترک، یا عرب
منگر اندر نقش و اندر رنگ او	بنگر اندر عزم و در آهنگ او
گر سیاه است و هماهنگ تو است	تو سفیدش خوان که هم‌رنگ تو است

مولوی

خلاصه کنید

انسان‌ها در جهان‌های اجتماعی مختلفی زندگی می‌کنند.

مفاهیم کلیدی

تنوع جهان‌های اجتماعی؛
جهان اجتماعی اسلام؛

آنچه از این درس آموختیم

پیامدهای جهان اجتماعی



پیامدهای الزامی

در درس‌های گذشته دانستیم که انسان با اراده و آگاهی خود به کنش اجتماعی می‌پردازد و در ساخت جهان اجتماعی و باز تولید آن مشارکت می‌کند. آیا این حقیقت به این معناست که جهان اجتماعی فقط وابسته به اعتبار ماست و ما همواره می‌توانیم هرگونه که بخواهیم آن را با اعتبار و عمل خود بسازیم؟

جهان اجتماعی از بستر اعتبار و خواسته‌های آدمیان پدید می‌آید و این پدیده، پس از آن که با کنش و رفتار انسان تحقق پیدا کرد، پیامدها و الزام‌هایی را به دنبال می‌آورد که به اعتبار و ارادهٔ ما نیست؛ البته این پیامدها، موقعیت جدیدی برای کنش‌ها و انتخاب‌های بعدی ما به وجود می‌آورد.

انسان‌ها همواره در جهانی دیده می‌کشایند که توسط گذشتگان آنان پدید آمده است؛ در این جهان، باورها، عقاید، ارزش‌ها، قواعد، مقررات، هنجارها و نمادهای آن‌ها شکل گرفته‌اند. الزام‌ها و پیامدهای این جهان، سایهٔ خود را بر وجود ما نیز می‌گستراند، اما هر یک از ما صرفاً یک کنشگر منفعل نیستیم؛ بلکه می‌توانیم یا در جهت تداوم و بسط و توسعهٔ این جهان حرکت کنیم یا در مسیر حرکت به سوی جهانی جدید گام برداریم. ساختن جهانی جدید نیازمند گسترش معرفت و آگاهی و ارادهٔ نوین است و ممکن است جهان موجود، اجازهٔ بسط آن را نیز ندهد.

تا زمانی که یک جهان اجتماعی از طریق مشارکت اجتماعی افراد پابرجاست، پیامدهای ضروری و الزامی آن نیز باقی است. با تغییر جهان اجتماعی موجود و برداشته شدن الزام‌های آن، جهان اجتماعی جدیدی شکل خواهد گرفت و به دنبال آن، الزام‌های دیگری به وجود می‌آید که بر فعالیت اجتماعی اعضای آن تأثیر می‌گذارد.

تحلیل کنید

چه زمانی پلیس مسیر حرکت جادهٔ چالوس به تهران را یک طرفه اعلام می‌کند. پیامدهای الزامی این امر را بیان کنید.



فرصت‌ها و محدودیت‌ها

آیا آثار و پیامدهای ضروری اعتبارات اجتماعی، محدودکنندهٔ انسان است یا این که فرصت‌های جدیدی برای انسان پدید می‌آورد؟ دیدگاه‌های مختلفی در این باره وجود دارد. نظر شما در این زمینه چیست؟



قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی را در نظر بگیرید. این قواعد به اراده و اعتبار انسان‌ها وضع می‌شوند. بدیهی است که تحقق این مقررات، محدودیت‌هایی را برای رانندگان و عابران پدید می‌آورد. اما آیا فکر کرده‌اید که اگر مقررات راهنمایی و رانندگی برداشته شود، چه اتفاقی می‌افتد؟ آیا رانندگان یا عابران می‌توانند با ایمنی تردد کنند؟ آیا زمان رسیدن به مقصد برای رانندگان کوتاه‌تر خواهد شد؟

مقررات راهنمایی و رانندگی با آن که محدودیت‌هایی به وجود می‌آورد، عمل کردن به آنها، فرصت رفت و آمد ایمن و سریع را نیز به دنبال دارد.

هر بخشی از جهان اجتماعی، فرصت‌ها و محدودیت‌هایی دارد و هر جهان اجتماعی نیز براساس عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌های مربوط به خود، افق‌ها و ظرفیت‌های جدیدی را برای انسان پدید می‌آورد و ممکن است ظرفیت‌ها و توانمندی‌های دیگر بشر را نادیده انگارد یا از بین ببرد. می‌توان جهان‌های اجتماعی مختلف را براساس ارزش‌ها و آرمان‌های آن و نیز مطابق با پیامدها و نتایجی که به دنبال می‌آورند، ارزیابی کرد:

برخی از جهان‌ها، استعدادها «معنوی» انسان را نادیده می‌گیرند یا فرصت باروری و شکوفایی سطوح مختلف عقلانیت را فراهم نمی‌آورند. برخی دیگر، مانع از بسط «ابعاد دنیوی» وجود انسان می‌شوند و با رویکرد دنیاگریز خود، از توانمندی‌های آدمی برای آبادکردن این جهان استفاده نمی‌کنند.

گفت و گو کنید

با نگاه به تمدن‌های مختلف بشری، نمونه‌هایی از جهان‌های اجتماعی مختلف را نشان دهید.

جهان متجدد

منظور از جهان متجدد، غرب بعد از رنسانس، یعنی جهان غرب چهارصدسال اخیر است. نظریه پردازان و جامعه‌شناسان دربارهٔ ویژگی‌های این جهان گفت‌وگوهای بسیاری کرده‌اند و فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را که این جهان برای بشریت به وجود آورده است، به بحث گذارده‌اند. به نظر شما، ویژگی‌های برجستهٔ این جهان چیست؟



ماکس وبر دربارهٔ ویژگی‌های مثبت و منفی این جهان به نکات زیر توجه کرده است:

اول: **رویکرد دنیوی و این جهانی**؛ جهان غرب در جهت به خدمت گرفتن زندگی دنیوی و تسلط انسان بر این عالم گام برداشت و زمینه‌های تاریخی و معرفتی خود را نیز در این مسیر به کار گرفت.

دوم: **افسون‌زدایی**؛ منظور معنازدایی و تقدس‌زدایی از جهان است. جهانی که ما در آن زندگی می‌کنیم از مواد و موجودات خامی ساخته شده است که همه در اختیار و کنترل بشرند. به وسیلهٔ او به کار می‌روند، دگرگون می‌شوند و به مصرف می‌رسند و دیگر هیچ‌گونه راز و رمز و قداستی ندارند. عناصر مقدس از این جهان طرد می‌شوند.



سوم: **بسط و توسعه عقلانیت ابزاری**؛ مراد از عقلانیت ابزاری، دانش‌ها و علوم تجربی است. این علوم با روش تجربی خود، قدرت پیش‌بینی و پیش‌گیری حوادث و مسائل طبیعی را به انسان می‌دهد.

چهارم: **غلبه کنش‌های عقلانی معطوف به هدف**؛ مراد از عقلانیت در این عبارت، عقلانیت ابزاری و منظور از هدف، امور قابل دسترس در این جهان است؛ یعنی در این جهان، آدمیان متوجه اهداف دنیوی‌اند و برای رسیدن به این هدف‌ها از علوم تجربی استفاده می‌کنند.

پنجم: **زوال عقلانیت ذاتی**؛ منظور از عقلانیت ذاتی، سطحی از عقلانیت است که دربارهٔ ارزش‌ها، آرمان‌ها و اهداف زندگی به تأمل می‌پردازد. در جهان متجدد، متافیزیک و علمی که داورهای ارزشی می‌کنند از بین می‌روند.



● صحنه‌ای از فیلم
عصر جدید چارلی چاپلین

ششم: **قفس آهنین**؛ یعنی، افرادی که قصد تسلط بر این جهان را دارند، به تدریج اسیر یک نظام اجتماعی برنامه‌ریزی شده‌ای می‌شوند که مثل یک قفس آهنین، همهٔ ابعاد وجود آنان را احاطه می‌کند. ماکس وبر معتقد است: «انسان جهان متجدد نمی‌تواند از قفسی که برای خود می‌سازد، رهایی پیدا کند.»

تحلیل کنید

- به نظر شما، کدام یک از ویژگی‌های ذکر شده دربارهٔ جهان متجدد، فرصت و کدام یک محدودیت است؟
- تصویری را که چارلی چاپلین در فیلم «عصر جدید» از انسان معاصر ارائه می‌دهد، تحلیل کنید.

۱- وبر از چهار کنش اجتماعی یاد می‌کند: کنش عقلانی معطوف به هدف، کنش عقلانی معطوف به ارزش، کنش عاطفی، کنش سنتی. در نگاه او در جهان متجدد کنش‌های نوع اول عرصه را بر سایر کنش‌ها تنگ می‌کند.

خلاصه کنید

جهان اجتماعی پس از به وجود آمدن، پیامدهایی غیرارادی دارد.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

مفاهیم کلیدی

جهان متجدد؛

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

آنچه از این درس آموختیم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

انواع جهان اجتماعی



جهان‌های اجتماعی در طول هم

موجود زنده در مراحل مختلف رشد خود متفاوت می‌شود؛ مثلاً در دوره‌ی میانسالی متفاوت از نوزادی و جوانی است. دو موجود زندهٔ مختلف هم با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند. به نظر شما تفاوت جوامع مختلف با هم شبیه کدام یک از موارد بالاست؟

عده‌ای از جامعه‌شناسان معتقدند همهٔ جوامع انسانی شبیه یکدیگرند. آنان معتقدند هر جامعهٔ انسانی شبیه یک موجود زنده است که مراحل مختلف رشد را از دوران ابتدایی تا مراحل بزرگسالی طی می‌کند؛ همان‌گونه که موجود زنده در مراحل رشد خود، حالت‌های متفاوتی پیدا

می‌کند، تفاوت جوامع بشری با یکدیگر نیز از این قبیل است. برخی جوامع در مراحل اولیه به سر می‌برند و برخی دیگر، در مراتب پیشرفته قرار گرفته‌اند.

کسانی که برای همهٔ جوامع مسیر مشابه و واحدی ترسیم می‌کنند، نگاه تک‌خطی به تاریخ دارند. در این دیدگاه، همهٔ جوامع در یک خط و در طول یکدیگرند؛ بعضی از جوامع در این مسیر واحد، پیشتر هستند و بعضی در مقایسه با جوامع پیشرفته عقب مانده‌اند و جوامعی که به لحاظ تاریخی عقب مانده‌اند، باید جوامع پیشرفته را الگوی حرکت خود قرار دهند.

یکی از جامعه‌شناسان، حرکت طولی جوامع بشری را به دو مقطع تقسیم می‌کند. او جوامع مقطع نخست را «جوامع مکانیکی» و جوامع مقطع دوم را که مربوط به عصر جدید است، «جوامع ارگانیکی» می‌نامد. در جوامع مکانیکی، تقسیم کار شکل نگرفته است یا تقسیم کار در حد ساده و ابتدایی است؛ ولی در جوامع ارگانیکی، تقسیم کار گسترده وجود دارد.



تحلیل کنید

دیدگاه تک‌خطی برای جوامع پیشرفته، چه مسئولیت و رسالتی قائل است؟ نظریهٔ استعمار را بر این اساس تحلیل کنید.

جهان‌های اجتماعی در عرض هم

کسانی که جوامع را مانند موجودات متفاوت در عرض یکدیگر می‌بینند، اختلاف جوامع را چگونه تفسیر می‌کنند؟ آیا براساس این دیدگاه مراحل رشد و تحول جوامع مختلف شبیه یکدیگرند؟



عده‌ای از اندیشمندان اجتماعی به تفاوت موضوع علوم اجتماعی و علوم طبیعی توجه کرده‌اند. آنان می‌گویند پدیده‌های اجتماعی سرشار از معانی متفاوت‌اند. این معانی می‌توانند

صورت‌های مختلفی داشته باشند و هر یک، جهانی متناسب با خود را به وجود آورد. هر جهان اجتماعی، فرهنگ و تمدن مناسب خود را به وجود می‌آورد. بر اساس این دیدگاه، جهان‌های اجتماعی مختلف در عرض یکدیگرند نه در طول هم. فرهنگ‌ها و تمدن‌ها بر اساس آرمان‌ها و ارزش‌های خود، تحولاتی را دنبال می‌کنند و مقاطع مختلفی را می‌پیمایند. مسیر این تحولات یکسان نیست. برخی از آنها زمانی دراز تا دوام پیدا می‌کنند و بعضی دیگر پس از مدتی از بین می‌روند. جوامعی که متعلق به فرهنگ‌های مختلف هستند، با روابط متقابلی که دارند می‌توانند از تجربیات یکدیگر استفاده کنند؛ اما هیچ یک از آنها با حفظ هویت خود نمی‌تواند مسیر فرهنگ دیگر را ادامه دهد. فرهنگ سالم و فعال همانند موجود زنده با جهان اطراف خود برخورد می‌کند. چنین فرهنگی مطابق با نیاز خود بخش‌هایی از فرهنگ‌های دیگر را انتخاب می‌کند؛ و در صورتی که لازم باشد تغییراتی را در آنها به وجود می‌آورد و سپس از آنها استفاده می‌کند. مردم‌شناسان از فرهنگ‌ها و تمدن‌های متفاوتی که در عرض یکدیگر قرار دارند یاد کرده‌اند، مثل فرهنگ‌ها و تمدن‌های غرب، اسلام، چین و هند.



بیندیشید

فرهنگی که بدون انتخاب و گزینش، بخش‌هایی از فرهنگ دیگر را تقلید کند، چه سرنوشتی خواهد داشت؟



جهان‌های معنوی و دنیوی

جهان‌های اجتماعی را می‌توان براساس فرهنگ و نوع اعتقادات، آرمان‌ها و ارزش‌های آنها به اقسامی تقسیم کرد. این تقسیم‌بندی را چگونه می‌توان انجام داد؟

از جمله تقسیماتی که دربارهٔ جهان‌های اجتماعی براساس نوع فرهنگ و اعتقادات آنها می‌توان انجام داد، تقسیم به دو جهان دنیوی و معنوی است.

فرهنگ دنیوی را «فرهنگ سکولار» نیز می‌گویند و مراد از آن، فرهنگی است که عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌های آن مربوط به این جهان است. در این فرهنگ، جهان دیگر انکار می‌شود و یا در محدودهٔ منافی که برای خواسته‌های این جهانی بشر دارد، پذیرفته می‌شود.

جامعهٔ سکولار همهٔ ظرفیت‌ها و استعداد‌های انسان را در خدمت این جهان به کار می‌گیرد و ظرفیت‌ها و خواسته‌های معنوی انسان‌ها را به فراموشی می‌سپارد.

فرهنگ معنوی، جغرافیای هستی را فراتر از جغرافیای طبیعت می‌بیند و زندگی این جهان را در سایهٔ حیات زندگی برتر، مقدس و متعالی می‌گرداند. انسان در این فرهنگ از محدودهٔ مرزهای

این جهان عبور کرده، چهره‌ای آسمانی و ملکوتی پیدا می‌کند. جامعه سکولار و دنیوی انواع مختلفی دارد. غرب بعد از رنسانس با همه جوامع متفاوتی که در آن پدید آمده است، هویت سکولار و دنیوی دارد. جامعه مقدس و معنوی را به دو صورت توحیدی و اساطیری می‌توان تقسیم کرد. فرهنگ اسلام و فرهنگ انبیای الهی تفسیر توحیدی و الهی از انسان ارائه می‌دهند، اما فرهنگ اساطیری که به خداوندگان و قدرت‌های فوق طبیعی قائل است، محصول انحراف بشر از فرهنگ توحیدی و خروج انسان از جهانی است که به فطرت و آفرینش او متعلق است. جهان‌های اجتماعی بشر را براساس صادق یا کاذب بودن عقاید، ارزش‌ها و آرمان‌های آنها، می‌توان به دو نوع حق و باطل تقسیم کرد. چنانکه قرآن کریم حرکت‌های اجتماعی بشر را به دو جریان حق و باطل تقسیم می‌کند.

گفت‌وگو کنید

با راهنمایی معلم خود دو نظام اجتماعی سکولار که طی قرن بیستم، جهان را به دو قطب تقسیم می‌کردند - نام ببرید و تفاوت و شباهت‌های آنها را بیان کنید.

خلاصه کنید

- براساس نگاه تکخطی به تاریخ، همه‌ی جوامع مسیر واحدی را طی می‌کنند.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

مفاهیم کلیدی

جهان دنیوی؛

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

آنچه از این درس آموختیم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

فصل سوم

شناخت اجتماعی

- ۱- شناخت اجتماعی
- ۲- انواع شناخت علمی
- ۳- شناخت اجتماعی تجربی
- ۴- شناخت اجتماعی عقلی
- ۵- شناخت اجتماعی شهودی
- ۶- شناخت اجتماعی در قرآن

انتظار می‌رود در پایان این فصل دانش آموز:

- شناخت عمومی را از شناخت علمی بازشناسد و رابطه آن‌ها را تحلیل کند.
- انواع شناخت علمی را در مقایسه با هم تشریح کند.
- ویژگیهای شناخت اجتماعی تجربی و توانمندی‌ها و کاستی‌های آن را بشناسد.
- ویژگیهای شناخت اجتماعی عقلی و توانمندی‌ها و کاستی‌های آن را بداند.
- شناخت اجتماعی شهودی و انواع آن را بشناسد.
- رابطه شناخت اجتماعی و جهان اجتماعی را تحلیل کند.
- شناخت اجتماعی متناسب با جهان اجتماعی اسلام را تشریح کند.



شناخت اجتماعی



شناخت عمومی

آگاهی و شناخت، دروازه ورود انسان به جهان اجتماعی است. انسان‌ها درباره جهان اجتماعی خود، دانستنی‌های فراوانی دارند. شناخت اجتماعی انواعی دارد که عام‌ترین و گسترده‌ترین نوع آن، فهم عرفی یا شناخت عمومی است. درباره شناخت عمومی چه می‌دانیم؟

ما اغلب از شناختی که نسبت به کنش‌های خود داریم و از اهمیت و نقشی که این شناخت در زندگی ما دارد غافلیم. به کنش‌های روزانه خود مانند راه رفتن، تلفن زدن، رانندگی، احوال‌پرسی، خرید و کارهای پیچیده‌ی دیگر دقت کنیم. شاید در نگاه اول گمان کنیم این کارها به‌طور طبیعی و

بدون شناخت خاصی انجام می‌شود؛ یا ممکن است فکر کنیم شناختی که برای این کارها داریم، چندان مهم نیست!

فرض کنید به پیشنهاد دوستی به یک میهمانی وارد شوید که در آن کسی را نمی‌شناسید. در چنین موقعیتی دقت و احتیاط شما بیشتر می‌شود؛ پیش از انجام هرکاری فکر می‌کنید. حتی به اینکه چگونه راه بروید و چگونه حرف بزنید می‌اندیشید. متوجه می‌شوید حتی در راه رفتن و حرف زدن شما شناخت‌هایی وجود دارد که در زندگی روزمره، به سبب عادت از نگاه و توجه شما پنهان است.

مست آب و پیش روی اوست آن اندر آب و بی‌خبر ز آب روان
چون گهر در بحر گوید بحر کو و آن خیال چون صدف دیوار او

هیچ یک از کنش‌های اجتماعی ما بدون آگاهی انجام نمی‌شود. اگر این آگاهی نباشد، زندگی اجتماعی انسان‌ها مختل می‌شود و جهان اجتماعی از بین می‌رود.

در سال گذشته از آگاهی و شناخت عمومی با نام شناخت حاصل از زندگی یاد کردیم؛ زیرا انسان این نوع شناخت را در طول زندگی خود به دست می‌آورد.

ما انسان‌ها با وارد شدن به جهانی که دیگران در آن به سر می‌برند، در مجموعه‌ای از شناخت‌ها با آنها شریک می‌شویم. این شناخت‌های مشترک که همان شناخت عمومی است، اندوخته‌ی مشترکی از دانش‌ها و آگاهی‌هاست که هنگام تعامل با دیگران، از آن استفاده می‌کنیم. ما درباره‌ی این شناخت کمتر می‌اندیشیم و بیشتر، از آن استفاده می‌کنیم و آن را به کار می‌بریم.

تأمل کنید

به نظر شما، فراگیری شناخت عمومی در کدام مقطع از زندگی آغاز می‌شود و تا چه زمانی ادامه پیدا می‌کند؟

شناخت علمی

شناخت عمومی برای زندگی اجتماعی مانند هوا برای زندگی انسان ضروری است. انسان همواره از هوا استفاده می‌کند اما در اغلب موارد متوجه آن نیست و از اهمیت آن در زندگی اش غافل است. ما هنگامی متوجه وجود هوا می‌شویم که در آن تغییری رخ دهد و به خصوص زمانی که، مشکلی در تنفس به وجود آید. انسان‌ها چگونه متوجه شناخت عمومی می‌شوند؟

افراد جامعه هنگامی متوجه شناخت عمومی می‌شوند و درباره آن می‌اندیشند که در کاربرد و استفاده از آن دچار مشکل شوند؛ مثلاً، ما وقتی در جمعی قرار می‌گیریم که زبان ما را متوجه نمی‌شوند و ما نیز با زبان آنان آشنا نیستیم، متوجه شناخت خود نسبت به زبان می‌شویم و به تفاوت زبان خود و زبان آنها پی می‌بریم و درباره این تفاوت می‌اندیشیم. با پرسش از شناخت عمومی، شناخت علمی نسبت به جهان اجتماعی آغاز می‌شود.

ویژگی‌های شناخت علمی در مقایسه با شناخت عمومی عبارت‌است از:

۱- **آگاهانه بودن:** شناخت علمی، آگاهانه دنبال می‌شود اما شناخت عمومی اغلب به صورت ناخودآگاه و بدون این‌که متوجه یادگیری آن شویم، در جریان زندگی اجتماعی حاصل می‌شود.

۲- **تأمل و استدلال:** شناخت علمی از طریق تأمل و تفکر دنبال می‌شود، حال آن‌که شناخت عمومی، فهمی است که در جریان زندگی اجتماعی و استفاده از اندوخته معرفتی جامعه حاصل می‌شود.

۳- **جست‌وجوی واقعیت:** شناخت علمی برای کشف واقعیت و شناخت درست و نادرست بودن امور و پدیده‌ها است، حال آن‌که شناخت عمومی بیشتر برای استفاده عملی و زندگی در جهان اجتماعی است. البته شناخت علمی نیز فواید عملی دارد اما در درجه اول به دنبال کشف امور واقعی است. مانند علوم پایه و علوم مهندسی.

مقایسه کنید

زبان یک پدیده اجتماعی است. شناخت عمومی و علمی نسبت به این پدیده را مقایسه کنید.

رابطه شناخت عمومی و شناخت علمی

شناخت عمومی و شناخت علمی بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. اندیشمندان علوم اجتماعی درباره تأثیر هر یک از این دو بر دیگری، بحث‌های فراوانی کرده‌اند. هر یک از این دو شناخت در دیگری چه اثری دارد؟

درباره تأثیر شناخت علمی بر شناخت عمومی به سه مورد زیر می‌توان اشاره کرد:

۱- **حل مشکلات:** دانستیم انسان هنگامی متوجه شناخت عمومی می‌شود که فهم عرفی و شناخت عمومی در کارایی خود دچار مشکل شده باشد. شناخت علمی برای حل چنین مشکلاتی به کار می‌آید.



۲- **کشف حقیقت:** شناخت علمی به دنبال کشف حقیقت است و دربارهٔ درست یا

نادرست بودن یا حق و باطل بودن شناخت عمومی داوری می‌کند.

۳- **رشد فرهنگ:** شناخت علمی با روشن کردن خطاهای شناخت عمومی، به تدریج به

عرصهٔ فهم عرفی و عمومی وارد می‌شود و از خطاهای شناخت عمومی کم می‌کند، به میزانی که نتایج شناخت علمی جذب شناخت عمومی می‌شود، فرهنگ عمومی از خرافات و باورهای غلط دور می‌شود.

دربارهٔ تأثیر شناخت عمومی بر شناخت علمی از موارد زیر می‌توان یاد کرد:

۱- **طرح پرسش:** شناخت عمومی به تناسب مسائل و مشکلاتی که با آن مواجه می‌شود،

برای شناخت علمی پرسش و مسئله به وجود می‌آورد.

وقتی در یک جامعه مسئلهٔ خاصی مطرح می‌شود، زمینهٔ رشد علمی نسبت به آن

مسئله به وجود می‌آید. مثلاً کاهش یا افزایش بی‌رویه جمعیت منطقه‌ای می‌تواند بستر فعالیت جمعیت‌شناسی را فراهم آورد.

۲- **حمایت:** شناخت عمومی به تناسب عقاید و ارزش‌هایی که در آن وجود دارد، ممکن

است بخشی از شناخت علمی یا همهٔ آن را مورد حمایت قرار دهد؛ در این صورت، شناخت عمومی نیز به نوبهٔ خود از ثمرات و آثار شناخت علمی بهره می‌برد.



۳- **ایجاد محدودیت:** شناخت عمومی در برخی از فرهنگ‌ها مانع پیدایش یا بسط شناخت علمی می‌شود. اگر عقاید و ارزش‌هایی که در شناخت عمومی وجود دارند با همهٔ علوم یا برخی از آنها ناسازگار باشند، مانع از آموزش یا گسترش علمی می‌شوند.



پاسخ دهید

- چه نوع عقاید و ارزش‌هایی مانع از رشد و توسعهٔ علم پزشکی می‌شوند؟
- طی جنگ جهانی اول و دوم، چه علمی توسعه پیدا کرد و چرا این علوم در آن سال‌ها رشد کرد؟

خلاصه کنید

- شناخت اجتماعی به دو نوع تقسیم می‌شود: شناخت عمومی و شناخت علمی.

مفاهیم کلیدی

شناخت عمومی؛

آنچه از این درس آموختیم

انواع شناخت علمی



● رصدخانه مراغه



فرهنگ و علم

ما می‌دانیم شناخت عمومی در جهان‌های اجتماعی مختلف، متفاوت است. آیا شناخت علمی نیز براساس فرهنگ‌های گوناگون تفاوت دارد؟

«ویروس آنفلوانزا علت بیماری است»، «کم شدن کالای مورد نیاز سبب گرانی آن است»، «دو به اضافه سه پنج» و ...؛ این قوانین علمی اگر درست‌اند به جامعه‌ای خاص و به اعتقادات و

ارزش‌های جوامع مختلف ارتباطی ندارد. اما جوامع مختلف بر اساس شناخت عمومی، اعتقادات، ارزش‌ها و نیازهای خود با قوانین علمی برخوردهایی متفاوت دارند. همهٔ جوامع، علمی را که به آن احتیاج دارند و با عقاید و ارزش‌هایشان مخالفت ندارد، به سهولت می‌پذیرند و برای شناخت و کشف آنها اقدام و از آنها حمایت می‌کنند؛ و علمی را که به آنها نیاز ندارند، دنبال نمی‌کنند آن بخش‌هایی را که مخالف عقاید و باورهایشان باشد، نمی‌پذیرند.

وقتی شناخت عمومی با بخشی از شناخت علمی مخالف باشد، دو راه بیشتر وجود ندارد؛ یا شناخت عمومی جامعه تغییر می‌یابد و اصلاح می‌شود یا آن بخش از علوم انکار و طرد می‌شود. بسیاری از فرهنگ‌ها بر اساس شناخت عمومی خود، بخش‌هایی از شناخت علمی را انکار کرده و معنای علم را محدود ساخته‌اند؛ بعضی از فرهنگ‌ها با هر نوع شناخت علمی مخالفت ورزیده‌اند؛ بعضی از فرهنگ‌ها نیز هیچ حقیقتی را قبول ندارند تا علم آن را جست‌وجو و کشف کنند.

هم‌اندیشی کنید

در یونان گروهی بوده‌اند که عالم را مثل خواب و پندار می‌دانستند. آنان حقیقت جهان را انکار می‌کردند؛ به این گروه «سوفسطایی» می‌گویند. آیا براساس عقیدهٔ این گروه می‌توان شناخت علمی داشت؟

شناخت حسی و عقلی

جهان‌های اجتماعی براساس فرهنگ‌های گوناگونی که دارند، با شناخت علمی و بخش‌های مختلف آن برخوردی یکسان ندارند. بخش‌های مختلف شناخت علمی کدام‌اند؟

شناخت حسی، شناخت امور جزئی است؛ مثل دیدن دوست خود در خیابان یا معلم در کلاس.

ابزار شناخت حسی، حواس آدمی است؛ مانند چشم و گوش. منبع شناخت حسی، عالم طبیعت است، امور غیر طبیعی، محسوس نیستند. روش شناخت حسی، مشاهده و احساس با حواس مختلف است.

شناخت عقلی: شناخت مسائل و قوانین کلی و عام است.

ابزار شناخت عقلی، عقل انسان است. این نوع شناخت بدون استفاده از این ابزار به دست



نمی‌آید. برخی از حیوانات در بعضی از حواس خود قوی‌تر از انسان‌ها هستند. ولی از شناخت عقلی محرومند. انسان‌ها گاهی از همین ویژگی حیوانات برای به دام انداختن آنها استفاده می‌کنند. حیواناتی که به دام می‌افتند علی‌رغم این‌که گاهی دام، بسیار ساده است، توان رهایی از آن را ندارند.^۱

منبع شناخت عقلی، حقایق طبیعی و غیر طبیعی است.^۲

روش شناخت عقلی، تفکر و استدلال است.

انسان با تفکر و استدلال دربارهٔ اموری که قبلاً حس کرده است یا امور طبیعی که قابل

حس کردن نیستند به شناخت عقلی دربارهٔ آنها می‌رسد.

به استدلال‌های عقلی دربارهٔ امور محسوس و طبیعی «استدلال تجربی» و به استدلال‌های

عقلی دربارهٔ امور غیر محسوس و غیر طبیعی «استدلال غیر تجربی یا تجریدی» می‌گویند.

جست‌وجو کنید

با توجه به آنچه در درس نهم دربارهٔ تقسیم جهان اجتماعی به اجزای ذهنی و عینی خواندید، دو پدیدهٔ اجتماعی را که از قلمرو شناخت حسی بیرون است و دو پدیدهٔ اجتماعی را که جز با حس شناخته نمی‌شوند، پیدا کنید.

۱ - در کشور انگلستان سالانه تعداد زیادی جوجه تیغی در بزرگراه‌ها و جاده‌های خارج از شهر در اثر برخورد با اتومبیل‌ها کشته می‌شوند. این جوجه تیغی‌ها طبق غریزه در مقابل اتومبیل‌هایی که در جاده‌ها به سرعت رفت و آمد می‌کنند به هنگام ترس در خود جمع می‌شوند و به صورت یک گلوله در می‌آیند. این عمل در طبیعت به آن‌ها کمک می‌کند تا جانوران خطرناک نتوانند به آن‌ها صدمه بزنند ولی در برابر اتومبیل‌های تندرو محافظت نمی‌کند.

۲ - حقایق طبیعی مانند پدیده‌های محسوس و حقایق غیرطبیعی مانند قوانین علمی، قضایای ریاضی و منطقی و نیز قوانین فلسفی

شناخت شهودی

شناخت شهودی از انواع شناخت علمی است. فرهنگ‌های مختلف با این نوع شناخت برخوردی یکسان ندارند و برخی از فرهنگ‌ها، آن را غیر علمی می‌دانند. شناخت شهودی چیست و اقسام آن کدام‌اند؟

شناخت شهودی در هر سه معیار ابزار، منبع و روش با شناخت حسی و عقلی تفاوت دارد.

ابزار شناخت شهودی، دل و قلب آدمی است؛ انسان از درون خود بدون استفاده از ابزارهای حسی و عقلی بسیاری از امور محسوس و غیر محسوس را می‌شناسد. مانند این که ما بدون کمک حس و فکر به غم و شادی درون خود یا محبت و تنفر نسبت به دیگری پی می‌بریم. شناخت غریزی حیوانات نسبت به خیلی از امور مورد نیازشان از همین قبیل است؛ مثلاً، آنان اغلب دوست و دشمن خود را در نخستین برخورد و بدون تجربه قبلی می‌شناسند.

منبع شناخت شهودی، وحی و الهامات الهی و غیر الهی است. وحی در معنای خاص نوعی شناخت شهودی بوده است که از طرف خداوند برای هدایت آدمیان به پیامبران اعطا شده است. به این معنای خاص «وحی تشریحی» نیز می‌گویند.



معنای عام وحی همان شناخت مرموز درونی است که شامل همه الهامات می‌شود. وحی‌کننده در این معنای عام می‌تواند خداوند سبحان یا غیر او و از جمله شیطان باشد. خداوند سبحان به شیاطین نیز وحی را نسبت داده است.^۱ وحی گیرنده نیز می‌تواند انسان یا غیر انسان باشد؛ مثلاً خداوند در قرآن، از وحی خود به زنبور عسل خبر داده است.^۲

روش شناخت شهودی، مشاهده و استدلال نیست بلکه ریاضت، سلوک، تصفیه، تزکیه و بالاخره نحوه رفتار و عمل آدمی است. هر نوع شهودی با نوعی خاص از سلوک همراه است. شناخت شهودی انسان دارای انواع و مراتبی است. مهم‌ترین آنها، دو نوع رحمانی و شیطانی است.

شهودهای رحمانی، با وحی مستقیم الهی یا از طریق فرشتگان انجام می‌شود؛ انبیا و اولیای الهی از این نوع وحی بهره‌می‌برند.

شهودهای شیطانی، به وسیله شیطان و برای فریب انسان رخ می‌دهد.

شناسایی کنید

- نمونه‌هایی را از شناخت‌هایی که حیوانات بدون استفاده از تجربه و استدلال دارند، به کلاس معرفی کنید.
- با پرکردن جدول زیر، تفاوت‌های انواع شناخت علمی را توضیح دهید.

شهودی	عقلی	تجربی	نوع
			معیار
			ابزار
			منبع
			روش

۱- إِنَّ الشَّيَاطِينَ لِيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ (سورة انعام، آیه ۱۲۱)؛ شیاطین به دوستان خود وحی می‌کنند تا با شما مجادله کنند.

۲- وَ أَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنِ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ. (سورة نحل، آیه ۶۸)؛ و پروردگار تو به زنبور عسل وحی کرد تا از کوه‌ها و از درختان و داربست‌هایی که مردم می‌سازند، لانه بگیرد.

خلاصه کنید

- جهان‌های اجتماعی و فرهنگ‌های مختلف با شناخت علمی برخورد یکسان ندارند.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

مفاهیم کلیدی

شناخت علمی ؛

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

آنچه از این درس آموختیم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

شناخت اجتماعی تجربی



شناخت تجربی در جهان امروز

شناخت حسی و تجربی، بخشی از شناخت علمی است. جهان اجتماعی متجدد به دلایلی که ریشه در شناخت عمومی و فرهنگ آن دارد، در مقطعی از تاریخ خود، این بخش از شناخت علمی را مورد حمایت قرار داده است. این حادثه چگونه اتفاق افتاد و چه مسیری را دنبال کرد؟

اگر به یاد داشته باشید، در سال اول دبستان برای نخستین بار با درس علوم آشنا شدید.

در کتاب علوم دانش‌هایی را فراگرفتید که از ابزار حس، منبع طبیعت و روش مشاهده، آزمایش و تجربه استفاده می‌کنند.

ما امروزه در جهانی زندگی می‌کنیم که در آن فقط از شناخت‌های حسی و تجربی به اسم علم یاد می‌شود. در این جهان به شناختی که حسی و تجربی نباشد، «معرفت» گفته می‌شود. معنای تقسیم فوق این است که شناخت علمی شناختی است که با حس بتوان آن را اثبات، یا ابطال کرد؛ یعنی درست یا نادرست بودن آن تنها با حس معلوم شود.

محدود کردن معنای علم به علم تجربی در تاریخ اندیشه بشر و حتی در جهان غرب سابقه چندانی ندارد و به نیمه دوم قرن نوزدهم باز می‌گردد. این تعریف از علم، از نیمه دوم قرن بیستم مورد تردید فیلسوفانی که در مورد علم تحقیق و مطالعه می‌کنند، قرار گرفت. دلیل فرهنگی و اجتماعی فراگیری و گسترش تعریف حسی از علم و علت تردید زود هنگام نسبت به این تعریف چیست؟

رویکرد دنیوی انسان معاصر عامل مهمی است که او را، هم به سوی حس‌گرایی و هم به سوی انکار بخش‌های غیر تجربی و غیر حسی علوم، سوق داد؛ زیرا حس، ابزار دنیوی شناخت بشری است و نقطه قوت علوم حسی و تجربی نیز این است که انسان را در تسلط بر عالم طبیعت یاری می‌کنند.

علت تردید فیلسوفان علم در محدود بودن علم به شناخت حسی، آگاهی آنان به این حقیقت است که شناخت حسی بدون استفاده از ذهن و عقل بشر نمی‌تواند سازمان پیدا کند و به صورت شناخت کلی علمی درآید.

مقایسه کنید

معنای علم را در قرآن کریم و در فرهنگ اسلامی با معنایی که علم در قرن نوزدهم پیدا کرده است، مقایسه کنید و درباره دلیل تفاوت معنای آن گفت‌وگو کنید.

رویکرد تجربی به علوم اجتماعی

بخشی از شناخت علمی جامعه، شناخت تجربی است. محدود کردن شناخت علمی جامعه به شناخت تجربی، پدیده‌ای اجتماعی است که در دوره‌ای خاص از جهان اجتماعی غرب رخ داده است. این پدیده در چه زمانی و چگونه رخ داد؟

در جهانی که به دلایل فرهنگی و تاریخی، شناخت علمی به دانش حسی و تجربی محدود می‌شود، شناخت علمی جامعه نیز به بخش تجربی آن محدود می‌شود. هنگام غلبه دیدگاه حس گرایانه (قرن نوزدهم)، جامعه‌شناسی نه تنها با روش تجربی دنبال می‌شد بلکه موضوع آن نیز مانند موضوعات طبیعی مورد بررسی قرار می‌گرفت.

اگوست کنت معتقد بود شناختی که از راه حس و تجربه به دست نیامده باشد، شناخت علمی نیست. او شناخت‌های شهودی و وحیانی و همچنین شناخت عقلی را شناخت‌های غیر علمی می‌دانست و آنها را پندارهای مربوط به دوران کودکی و نوجوانی بشریت می‌خواند.



غلبه دیدگاه حس گرایانه سبب شد تا آگاهی‌های پیشین بشر نسبت به جامعه انسانی نیز به دلیل این که از روش‌های صرفاً حسی به دست نیامده بود یا از روش عقلی استفاده کرده بود، آگاهی‌های غیر علمی دانسته شود و جامعه‌شناسی، دانشی معرفی شود که صرفاً در قرن نوزدهم متولد شده است.

بی‌تردید حس و تجربه یکی از راه‌های مهم شناخت جهان خارج است و جامعه‌شناسانی که با روش حسی و تجربی به شناخت جهان اجتماعی می‌پردازند، دستاوردها و اطلاعات ارزشمندی را به دست آوردند. مشکل حس‌گرایان در این است که راه‌های دیگری را که برای شناخت عالم و از جمله شناخت جهان اجتماعی وجود دارد، مورد غفلت یا انکار قرار دادند. محدود کردن شناخت علمی جامعه به شناخت تجربی، محدودیت‌هایی نیز برای علوم اجتماعی به وجود آورده است.

یادآوری کنید

با استفاده از مباحثی که در درس ششم درباره تاریخ جامعه‌شناسی گذشت، محدودیت‌ها و مشکلات جامعه‌شناسی پوزیتیویستی را بازگو کنید.

رویکردهای بعد تجربی

رویکرد صرفاً حسی و تجربی به علوم اجتماعی مانند اصل حس‌گرایی علمی بیش از یک سده در جهان متجدد دوام نیاورد. با افول این رویکرد، علوم اجتماعی چه ویژگی‌هایی پیدا کرده است؟

رویکرد صرفاً حسی و تجربی به علوم اجتماعی با سه آسیب مهم مواجه است:



● مراحل عمل خیلی خوب پیش رفت ولی متأسفانه بیمار مرد!

اول این که مانع شد جامعه‌شناسی نسبت به پدیده‌های اجتماعی دآوری ارزشی و هنجاری کند و از این زاویه نسبت به پدیده‌ها یا نظام اجتماعی زبان به انتقاد بگشاید.

دوم این که با حذف ابعاد ارزشی، علوم اجتماعی را به صورت یک علم ابزاری در ردیف علوم طبیعی قرار داد.

سوم این که ابزاری دانستن علوم اجتماعی، امکان مقابله جامعه‌شناسی با ارزش‌های حاکم را از بین برد و به آن خصلتی محافظه کارانه نسبت به جهان و نظام اجتماعی موجود بخشید.

جامعه‌شناسان انتقادی برای خارج کردن علوم اجتماعی از محدودیت‌هایی که جامعه‌شناسی تجربی گرفتار آن شده بود و همچنین برای گریز از مشکلات منطقی علم تجربی، ناگزیر به سطوح و بخش‌های دیگری از شناخت پناه بردند.

شناختی که جامعه‌شناسی انتقادی برای رفع کاستی‌های علم حسی و جامعه‌شناسی تجربی استفاده کرد، همان اندوخته اجتماعی شناخت بشری است که از آن با عنوان شناخت عمومی یاد کردیم که فهم عرفی یا عقل جمعی نیز نامیده می‌شود.

استفاده از این نوع شناخت و عقل، شناخت علمی را در حاشیه شناخت عمومی قرار می‌دهد و به آن ملحق می‌گرداند. در این حال، شناخت علمی به تبع شناخت عمومی سیار و متغیر می‌شود و این دیدگاه برخلاف دیدگاهی خواهد بود که شناخت علمی را کاشف حقیقت و معیاری برای درست و نادرست بودن شناخت عمومی می‌داند.

تأمل کنید

براساس دیدگاه انتقادی، آیا شناخت علمی در جهان‌های اجتماعی و فرهنگ‌های مختلف یکسان خواهد بود؟

خلاصه کنید

از نیمه دوم قرن نوزدهم، فقط شناخت حسی و تجربی را شناخت علمی نامیدند.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

مفاهیم کلیدی

شناخت تجربی ؛

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

آنچه از این درس آموختیم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

شناخت اجتماعی عقلی



اقسام شناخت عقلی

شناخت عقلی بخشی از شناخت علمی است. شناخت عقلی نیز دارای مراتب و اقسام مختلفی است. اقسام شناخت عقلی کدامند؟

عقل در دو معنای عام و خاص به کار می‌رود:

عقل در معنای وسیع و عام، ابزاری برای هر نوع شناخت و تلاش علمی و ذهنی انسان است. عقل به این معنا، هم (۱) ابزار شناخت امور کلی و غیر طبیعی است، هم (۲) ابزار شناخت حسی – تجربی و هم (۳) ابزار شناخت عمومی و عرفی است. به همین دلیل، برای شناخت حسی و تجربی، گاه از عبارت «عقل جزئی» و «عقل تجربی» یا «عقل ابزاری» استفاده می‌کنند و برای شناخت عمومی نیز گاه «عقل جمعی» یا «عقل عرفی» را به کار می‌برند.

عقل در معنای خاص فقط در تأملات فکری و فعالیت‌های روشمند علمی و ذهنی‌ای حضور دارد که به درک حقایق کلی می‌پردازد.

عقل در معنای خاص – همان‌گونه که در درس هفتم دانستیم – به دو نوع نظری و عملی

تقسیم می‌شود؛

عقل نظری به شناخت هستی‌ها می‌پردازد و عقل عملی بایدها و نبایدها و احکام ارزشی را

شناسایی می‌کند.

گفت‌وگو کنید

در درس ششم با سه نوع جامعه‌شناسی پوزیتیویستی، تفهّمی و انتقادی آشنا شدیم. هریک از آنها از کدام نوع عقل استفاده می‌کنند؟

رویکرد عقلی به علوم اجتماعی

رویکرد عقلی به علوم اجتماعی در فرهنگ‌هایی ممکن است که شناخت عقلی در آنها مورد پذیرش قرار گرفته و حضور داشته باشد. کدام جوامع از شناخت عقلی بهره‌مند بوده‌اند؟



منظور از علوم اجتماعی عقلی، علمی است که از معنای خاص عقل، یعنی عقل نظری و عملی، استفاده کند. این معنا از علوم اجتماعی فقط مخصوص جوامعی است که عقلانیت به معنای خاص در آن جامعه پذیرفته شده باشد. معنای خاص عقلانیت در جهان غرب تا قبل از غلبهٔ حس‌گرایی – یعنی تا نیمهٔ اول قرن نوزدهم – حضور داشته است. در جهان اسلام و همچنین در بخش‌هایی از جامعهٔ یونان نیز عقل نظری و عملی مورد توجه قرار داشت و به همین دلیل، در این جوامع تفسیرها و تبیین‌های عقلی نسبت به پدیده‌های اجتماعی وجود داشت. کتاب سیاست از ارسطو، سیاست مدنیّه از فارابی و برخی از آثار هگل (فیلسوف آلمانی)، نمونه‌هایی از شناخت اجتماعی عقلی‌اند.

در جوامعی که حس‌گرایی بر آن غالب باشد و همچنین در فرهنگ‌هایی که شناخت عمومی جای عقل نظری و عملی را گرفته باشد، علوم اجتماعی عقلی نمی‌تواند وجود داشته باشد.



یادآوری کنید

● با تأمل در درس هفتم، برخی از ویژگی‌های علوم اجتماعی عقلی را بیان کنید.

توانمندی‌ها و آسیب‌های رویکرد عقلی

علوم اجتماعی عقلی در مقایسه با علوم اجتماعی تجربی و انتقادی نقاط قوتی دارد. این نوع شناخت اجتماعی را برخی آسیب‌ها نیز تهدید می‌کند. توانمندی‌ها و آسیب‌های آن چیست؟

علم اجتماعی عقلی با استفاده از عقل نظری می‌تواند به شناخت ابعاد معنوی انسان و جهان بپردازد و براین اساس، سعادت و کمال آدمی را شناسایی کند. همچنین این علم می‌تواند با استفاده از عقل عملی، ارزش‌ها و احکامی را که برای رسیدن به آرمان‌های انسانی مورد نیاز است، بشناسد. این علم با کمک حس و با استفاده از عقل تجربی و همچنین با کمک شناخت عمومی و فهم عرفی، دانش ابزاری مورد نیاز را برای تدبیر پدیده‌های اجتماعی فراهم می‌آورد.

علوم اجتماعی با رویکرد عقلی به دلیل توانمندی‌های فوق، قدرت داوری ارزشی و برخورد انتقادی نسبت به جوامع مختلف را داراست و به همین دلیل، این رویکرد، هیچ یک از آسیب‌های رویکرد تجربی به علوم اجتماعی را ندارد.

رویکرد عقلی به علوم اجتماعی به دلیل این که عقل نظری و عملی را به شناخت عمومی تنزل نمی‌دهد، ارزش شناخت علمی را نسبت به فرهنگ‌ها و جوامع مختلف حفظ می‌کند. آسیب مهم رویکرد عقلی هنگامی رخ می‌دهد که این رویکرد شناخت را فقط به معرفت عقلی محدود کند و منکر ارزش علمی شناخت حسی و شهودی شود.

بحث کنید

آیا شناخت عقلی بدون استفاده از شناخت حسی و تجربی می‌تواند دربارهٔ جامعهٔ پیرامون خود اظهار نظر کند؟

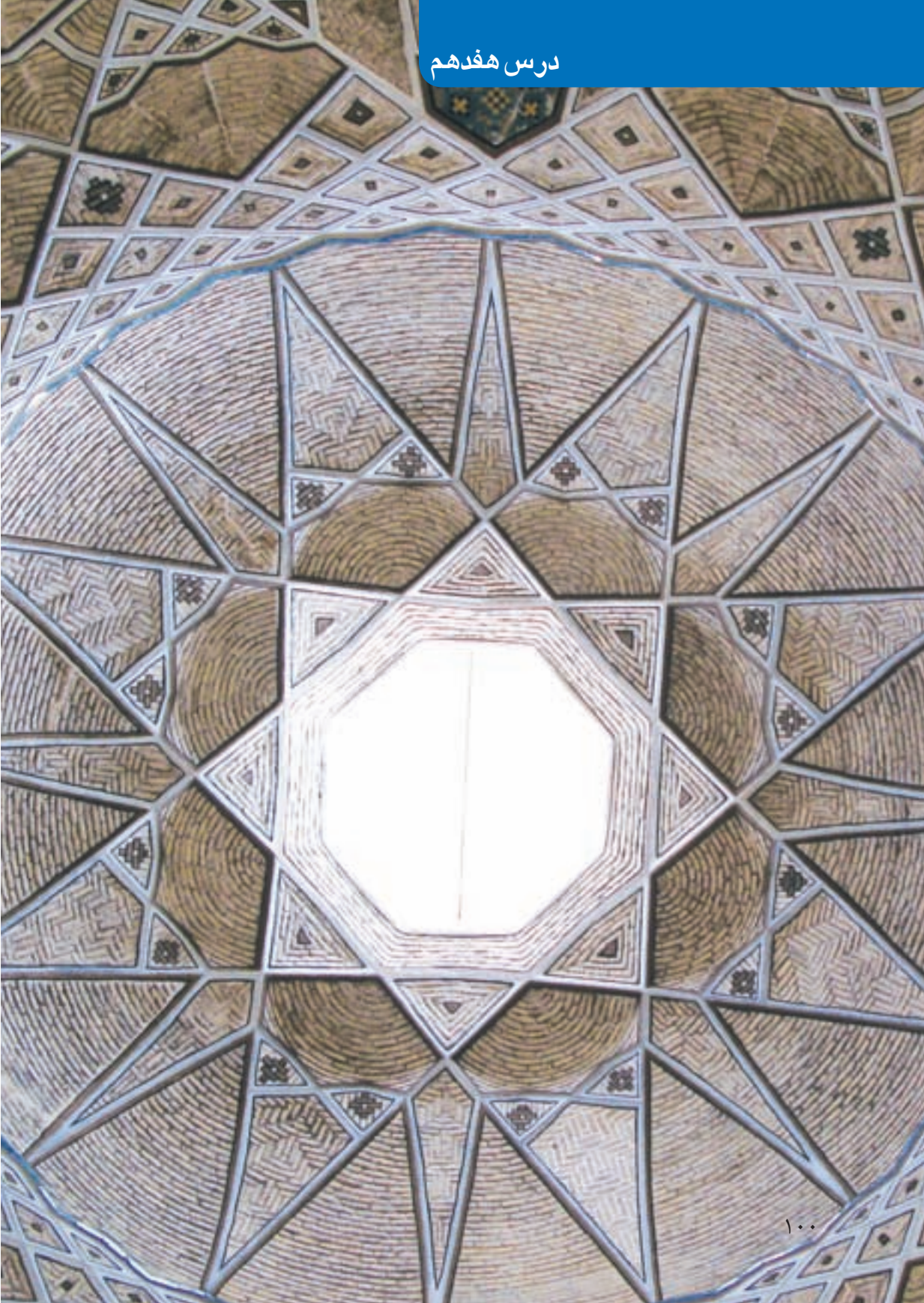
خلاصه کنید

– عقل دارای دو معنای عام و خاص است.

مفاهیم کلیدی

عقل ؛

آنچه از این درس آموختیم



شناخت اجتماعی شهودی

جهان اساطیری

شناخت شهودی انواع و مراتب فراوانی دارد؛ یک نوع اصلی آن، شهود شیطانی است. این شناخت مربوط به کدام جهان است، و چه نسبتی با علوم عقلی و تجربی دارد؟

در درس دوازدهم، جهان‌های اجتماعی به دو نوع معنوی و دنیوی و نیز جهان معنوی به دو نوع اساطیری و توحیدی تقسیم شد.

انسان جهان اساطیری، هستی را در جهان طبیعت محدود نمی‌بیند بلکه به موجودات فوق طبیعی نیز قائل است. موجودات فوق طبیعی در عالم اساطیر به یک حقیقت متعالی و مقدس باز نمی‌گردند بلکه الهه‌های متفرق و خداوندگان متعدّدند.

جهان اساطیری حاصل نگاه انحرافی انسان به موجودات فوق طبیعی است؛ همان‌گونه که نگاه دنیوی حاصل نگاه انحرافی انسان به موجودات طبیعی است.

در جهان اساطیری انسان‌ها به دنبال آن‌اند تا با استفاده از قدرت‌ها و نیروهای فوق طبیعی، نیازهای مادی و دنیوی خود را نیز تأمین کنند. آنان کنش‌های خود را با الهامات شیطانی و اندیشه‌های اسطوره‌ای سازمان می‌دهند و از این طریق، نظام اجتماعی، روابط اجتماعی و جنگ و صلح خود را با خواست و اراده‌ی الهه‌ها و خداوندگاران متعدّد پیوند می‌زنند.

در این جهان با همه‌ی مراتب عقلانیت مخالفت می‌شود و فقط شناخت عمومی یا عقل عرفی که اندوخته‌ی تاریخی جامعه و میراث فرهنگی گذشتگان است، محترم شمرده می‌شود.

در جهان اساطیر، عقل تجربی و ابزاری نیز ارزشی ندارد؛ زیرا انسان اسطوره‌ای سلطه بر طبیعت را از راه طبیعت دنبال نمی‌کند بلکه از طریق ارتباط با موجودات و نیروهای فوق طبیعی به دست می‌آورد و علمی که این ارتباط را تأمین می‌کنند، علوم غریبه مانند سحر، جادو، کهنات، نجوم و غیره هستند.



تحقیق کنید

- بسیاری از فرهنگ‌ها در گذشته تاریخ، فرهنگ‌های اساطیری‌اند، درباره برخی از آنها تحقیق و با دوستان خود گفت‌وگو کنید.
- شیطان پرستی و عرفان‌های کاذب پدیده‌های مربوط به کدام جهان هستند؟ درباره علل گسترش اخیر این دو پدیده در جهان متجدد گفت‌وگو کنید.

جهان توحیدی

انبیاء و اولیای الهی از وحی و الهامات الهی بهره می‌برند. این نوع شهود چه عقاید و آرمان‌هایی را به دنبال می‌آورد و چه تصویری را از انسان و جهان ترسیم می‌کند؟ در این جهان، عقل چه جایگاهی دارد؟

توحید در کانون جهانی است که انبیای الهی معرفی می‌کنند. اعتقاد به توحید، اعتقاد به یک موجود مقدس است. مقدس بودن به معنای منزهبودن از صفات نقص، مانند جهل و ناتوانی، و منزهبودن از صفات کمالی است که با نقص همراه باشد؛ مثل علم محدود یا قدرت محدود. موجود مقدس همه کمالات را به نحو نامحدود داراست.

موجودی که همه کمالات را به صورت نامحدود داراست، واحد و یگانه است. او نام‌های فراوانی دارد که بر اوصاف و کمالات مختلف وی دلالت می‌کنند؛ مانند عالم، قادر، حی، رازق، قدوس، ... و الله نامی است که بر همه این اوصاف دلالت می‌کند.

اعتقاد به توحید مانع از این می‌شود که دیگر موجودات مستقل از علم، قدرت، اراده و صفات دیگر او باشند؛ زیرا استقلال آنها، به معنای محدود بودن او خواهد بود. همه موجوداتی که در عالم طبیعت و غیر آن‌اند، آیات و نشانه‌های اویند. این آیات و نشانه‌ها از نزد او آمده و به سوی او باز می‌گردند.

در این جهان، انسان بزرگترین آیت و نشانه خداوند است؛ یعنی، موجودی است که بیشتر از موجودات دیگر می‌تواند نام‌ها و صفات او را آشکار سازد.

جهانی که مخلوق خداوند است، بر اساس حکمت آفریده شده است. اولین مخلوق خداوند در این جهان، عقل است و خداوند موجودات دیگر را بر اساس آن آفریده است؛ بنابراین، نظام جهان نیز عقلانی است.

سعادت و رستگاری انسانی نیز در بازگشت به سوی خداوند و نزدیک شدن به آن هستی قدسی است.

گفت و گو کنید

درباره علم و عقل در جهان توحیدی مطالعه کنید و در کلاس با هم گفت و گو کنید.

علوم وحیانی

شناخت وحیانی انبیا - علیهم السلام - مهم‌ترین بخش از شناخت علمی در جهان توحیدی است. این شناخت از کدام منبع استفاده می‌کند و چه ارتباطی با شناخت عقلی و حسی دارد؟

شناخت وحیانی انبیا - علیهم السلام - ناظر به مسائلی است که برای بشر در زندگی این جهان و در فرهنگ و شناخت عمومی وجود دارد. پیامبران برای حل مشکلات و رفع موانع و گشودن بندهایی آمده‌اند که نظام‌های اجتماعی در راه رشد و تعالی انسان به وجود آورده‌اند. وحی الهی با آنکه نظر به مسائل طبیعی و مشکلات اجتماعی بشر دارد، از منبع طبیعت یا شناخت عمومی و اموری از این قبیل بهره نمی‌گیرد، بلکه از منبع شناخت وحیانی و علم و اراده الهی استفاده

می‌کند. وحی از نزد خداوند نازل می‌شود و به همین دلیل به آن «علم لدنی» نیز می‌گویند. شناخت و حیانی با شناخت و علم عقلانی مخالفتی ندارد. وحی الهی انسان را به استفاده از عقل نیز فرامی‌خواند. علی - علیه‌السلام - از جمله کارهایی که برای پیامبران بیان می‌کند این است که آنان آمده‌اند تا دَفینه‌های عقل انسان‌ها را برانگیزانند. (خطبه اول نهج البلاغه)

شناخت و حیانی، حس را نیز به عنوان یکی از ابزارهای شناخت مورد توجه قرار می‌دهد. انبیاء الهی، انسان‌ها را از وسوسه‌ها و شهوذهای شیطانی برحذر می‌دارند و این نوع از شناخت را معتبر نمی‌دانند و شناخت عمومی را نیز که میراث گذشتگان است تا آن‌جا که با مراتب مختلف شناخت عقلی یا شناخت و حیانی مخالفت نداشته باشد، قبول می‌کنند.

مقایسه‌کنید

تفاوت برخورد جهان توحیدی و جهان‌های اساطیری را با مراتب مختلف شناخت (شهودی، عقلی و تجربی) مقایسه کنید.

خلاصه کنید

جهان اساطیری حاصل نگاه انحرافی انسان به موجودات فوق طبیعی است.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

مفاهیم کلیدی

جهان اساطیری ؛

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

آنچه از این درس آموختیم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

شناخت اجتماعی قرآن



و انزل الله عليك الكتاب والحكمة و علمك ما لم تكن تعلم
و كان فضل الله عليك عظيما

سوره نمل: ۱۸

روش شناخت اجتماعی

قرآن کریم در بسیاری از آیات به مسائل اجتماعی پرداخته است و انسان‌ها را نیز به تأمل در پدیده‌های اجتماعی فرمان داده است. دیدگاه و روش مورد نظر قرآن برای شناخت اجتماعی چیست؟

جهانی را که قرآن برای انسان ترسیم می‌کند، جهان توحیدی است. در این جهان، همه موجودات و مخلوقات، آیات و نشانه‌های خداوند سبحان‌اند و به همین دلیل، همه علوم به شناخت آیات الهی می‌پردازند. علوم طبیعی آیات آفاقی (نشانه‌های طبیعی) و علوم انسانی آیات انفسی (نشانه‌های انسانی) و علوم اجتماعی، آیات اجتماعی خداوند را شناسایی می‌کنند و به همین دلیل، علم وسیله نزدیک شدن انسان به خداوند و خشوع در برابر اوست و تحصیل علم از برترین عبادت‌هاست.

از منظر قرآن، شناخت اجتماعی با سه ابزار حس، عقل و وحی به دست می‌آید. قرآن کریم

همان‌گونه که از مشاهدهٔ پدیده‌های عالم طبیعت سخن می‌گوید، به توجه و دقت در پدیده‌های اجتماعی نیز فرمان می‌دهد^۱ و در برخی آیات نیز انسان‌ها را به دلیل این که در سرنوشت اقوام و جوامع تعقل نمی‌کردند، نکوهش می‌کند^۲.

قرآن کریم برخی از شناخت‌های اجتماعی را از طریق وحی در دسترس بشر قرار می‌دهد. علاوه بر این دانش‌هایی که خداوند متعال از راه وحی به بشر می‌آموزد، دانش‌هایی است که برای تأمین سعادت بشر مورد نیاز است ولی انسان از راه حس و عقل نمی‌تواند یاد بگیرد. خداوند سبحان دربارهٔ این گونه از دانش‌ها به پیامبر خود می‌فرماید: «وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُن تَعْلَمُ؛ خداوند به تو چیزی را آموخت که از نزد خود نمی‌توانستی بیاموزی»^۳.

نگار من که به مکتب نرفت و خط نوشت به غمزه مسأله آموز صد مدرس شد
شناخت اجتماعی قرآن به دلیل استفاده از وحی و مراتب مختلف عقل بشری، به مراتب مشاهده و توصیف یا شناخت قوانین اجتماعی محدود نمی‌شود بلکه ابعاد ارزشی، هنجاری و انتقادی نیز دارد.

تأمل کنید

دربارهٔ نحوهٔ برخورد قرآن با دانش‌های اجتماعی تأمل کنید. برای این فعالیت مناسب است به تفسیر آیاتی که در این بخش به آنها اشاره شد مراجعه کنید.

جامعه در قرآن

قرآن کریم براساس دیدگاه توحیدی نسبت به انسان و جهان، تصویری از جامعهٔ انسانی ارائه داده و برخی از اصول و قوانین حاکم بر جوامع را بیان می‌کند. تصویر قرآنی از جامعهٔ انسانی چیست؟ احکام و قوانین حاکم بر آن چگونه است؟

در تصویری که قرآن از جامعهٔ انسانی ترسیم می‌کند، ویژگی‌های زیر را می‌توان دید:
۱- **تأثیر فرد بر جامعه:** جامعه براساس خواست و ارادهٔ انسان‌ها شکل می‌گیرد و خداوند جامعه را براساس تغییری که انسان‌ها در نفس و جان خود ایجاد می‌کنند، تغییر می‌دهد. «إِنَّ اللَّهَ

۱. سوره غافر، آیه ۸۲: أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا يَكْسِبُونَ.

۲. سوره صافات، آیات ۱۳۹-۱۳۸: وَإِنَّكُمْ لَتَمُرُّونَ عَلَيْهِمْ مُّصْبِحِينَ * وَبِالْأَيْدِي أَعْمَلُونَ.

۳. سوره نساء، آیه ۱۱۳.

لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ؛ یعنی، به درستی که خداوند قومی را تغییر نمی‌دهد، مگر آن که خود را تغییر دهند».

۲- **زندگی و حیات جامعه:** هر جامعه با آنکه نتیجه کار آدمی است، از زندگی و حیاتی برخوردار است و از احکام و قوانینی پیروی می‌کند. این احکام پیامدهای الزامی جامعه بوده و به اختیار انسان‌ها نیستند.

۳- **اسارت انسان در نظام ظالمانه:** جوامعی که براساس کنش‌های ظالمانه و مجرمانه انسان‌ها شکل می‌گیرند، مانند زنجیرهایی هستند که بر گردن آدمیان افکنده می‌شوند و خداوند پیامبران را برای برداشتن این زنجیرها^۲ و برقراری عدالت و قسط^۳ می‌فرستد.

۴- **حق‌محور بودن جامعه توحیدی:** جامعه توحیدی مبتنی بر فطرت انسان^۴ است و راه سعادت معنوی و جاودانه انسان را هموار می‌کند. این جامعه بر مدار عقاید و آداب گذشتگان سازمان نمی‌یابد بلکه با نقد عقلانی تاریخ گذشتگان و عبرت‌آموزی از کردار آنان بر محور حقیقت شکل می‌گیرد^۵.

گفت‌وگو کنید

درباره رابطه فرد و جامعه از دیدگاه قرآن گفت‌وگو کنید.

سنت‌های اجتماعی

در نگاه توحیدی، جامعه‌ی انسانی نیز مخلوق خداوند و از آیات و نشانه‌های اوست. قرآن کریم از قوانین و احکام جوامع با نام سنت‌های الهی یاد می‌کند. سنت‌های الهی جامعه کدام‌اند؟

پیامدهای الزامی کنش‌های اجتماعی انسان‌ها همان قوانینی هستند که در زندگی اجتماعی وجود دارند. قرآن کریم از این قوانین با نام «سنت‌های الهی» یاد می‌کند.

از نظر قرآن کریم، سنت‌های الهی جامعه عام و غیرقابل تغییرند؛ «فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَحْوِيلًا؛ یعنی، برای سنت الهی تبدیل و تغییر وجود ندارد».

۱. سوره رعد، آیه ۱۱.

۲. سوره اعراف، آیه ۱۵۷؛ وَ يُضَعُّ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وُ الْأَعْلَالِ.

۳. سوره حدید، آیه ۲۵؛ لَقَدْ أَرْسَلْنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَ أَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ.

۴. سوره روم، آیه ۳۰؛ فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا.

۵. سوره بقره، آیه ۱۷۰؛ أُولَئِكَ كَانَ أَبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَ لَا يَهْتَدُونَ.

۶. سوره فاطر، آیه ۴۳.

برخی از سنت‌های الهی که در قرآن بیان شده‌اند، عبارت‌اند از:

۱- سنت ظهور و سقوط امت‌ها: هر جامعه و فرهنگی براساس ظرفیت‌ها و توانمندی‌هایی که

دارد، از حیات مخصوص به خود برخوردار است و بر همان اساس نیز مدت عمر آن مشخص می‌شود. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ؛ هر امتی را دوره و اجلی معین است.»



۲- سنت امتحان و ابتلای الهی: انسان‌ها

در جوامع مختلف براساس اختیار و اراده خود کنش‌ها و نظام‌های اجتماعی را شکل می‌دهند و از

این طریق در معرض امتحان و آزمایش قرار می‌گیرند.

۳- سنت ارسال رسل (فرستادن پیامبران): هر جامعه‌ای علاوه بر آن که از سطوح

مختلف عقلانیت برای داوری نسبت به ارزش‌ها، هنجارها، آرمان‌ها و رفتارها برخوردار است، از

وحی الهی نیز بهره‌مند است. آیات بسیاری از این سنت الهی یاد می‌کند؛ مثل «و لِكُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولٌ؛ هر امتی را پیامبری است.»



از دیگر سنت‌ها عبارت‌اند از: سنت مجازات،

استدراج^۱، مکر و پیروزی حق بر باطل

برخی از متفکران اسلامی درباره سنت‌های

اجتماعی و تاریخی در قرآن کریم، کتاب‌هایی را

تألیف کرده‌اند؛ مانند: «سنت‌های تاریخی در قرآن» اثر شهید آیت‌الله سید محمدباقر صدر و کتاب

«سنت‌های اجتماعی در قرآن کریم» اثر دکتر احمد حامد مقدم.

در کتاب «دین و زندگی» سال چهارم متوسطه نیز با برخی از سنن اجتماعی قرآن آشنا

خواهید شد.

تأمل کنید

براساس بینش قرآنی، آیا قوانین حاکم بر جامعه اگر توسط عقل و تجربه شناخته شوند،

از سنت‌های الهی‌اند؟ دلیل خود را بیان کنید.

۱. سوره یونس، آیه ۴۹.

۲. سوره یونس، آیه ۴۷.

۳. خداوند گاهی به گمراهانی که راه باطل می‌پیمایند و با حق دشمنی می‌ورزند فرصت‌ها و امکاناتی می‌دهد و آن‌ها خود با استفاده غلط از همین امکانات، بیشتر در فساد فرو می‌روند و به تدریج به هلاکت ابدی نزدیک می‌شوند.

خلاصه کنید

- قرآن کریم از قوانین زندگی اجتماعی به سنت‌های الهی یاد می‌کند.

مفاهیم کلیدی

سنت‌های اجتماعی ؛

آنچه از این درس آموختیم
